فتح

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان، تنظیم کشور

دور دوم نشراتی ـ سال دوم ؛ شماره، دوازدهم چهارشنبه ۲۱ سرطان ۱۳۷٤ هـ ش ـ ١٤ صفرالمظفر ١٤١٦ هـ ق ۱۲ـ جولای ۱۹۹۵م

به سلسله پیوستن ملیشه ها به صفوف اردوی اسلامی

یک تن از قوماندانان دوستم با شصت نفر از افرادش با دولت اسلامی یکجا شد

گزارش مخابروی از ولایت سمنگان حاکیست بتاریخ ۱٦ سرطان سالجاری یک تن از قوماندانان ملیشه های دوستم بنام سجاوی مربوط قریه سلاغی ولسوالی دره صوف ولایت سمنگان با شصت تن از افراد وابسته اش صفوف ملیشه ها را ترک و با نیروهای اردوی اسلامی پیوستند.

گروپ پیوسته به دولت اسلامی مسلح به چهل میل کلاشینکوف، پنج میل راکت انداز و دو پایه مخابره تاکی واکی میباشد.

قوماندان نامبرده ضمن محکوم شمردن ملیشه ها آمادگی خود را در امر سرکوب دشمنان دولت اسلامی ابراز نمود.

محترم عبدرب الرسول سیاف رهبر اتحاد اسلامی افغانستان با معاون امنیت عربستان سعودی در کابل دیدار نمود

آژانس اطلاعاتی باختر خبر داد احمدمحمد معاون امنیت کشور عربستان سعودی وهیئت همراهانش که بتاریخ ۱٦ سرطان سالجاری وارد کابل گردیده اند با محترم عبدرب الرسول سیاف رهبر اتحاد اسلامی افغانستان ملاقات و مذاکره نمود.

در این دیدار روابط دو کشور ومسایل مورد علاقه مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

لازم به یاد آوریست آقای احمدمحمد همچنان با مسئولین امنیت دولت اسلامی افغانستان نیز ملاقات و مذاکره نمود.

دمحترم جمهور رئیس وياند عبدالعزيز مراد د بی بی سی سره په مرکه کی

دافغانستان ستونزه یوه افغانی ستونزه ده کوم تصامیم چی نیول کیږی هغه باید په داخل کی ونیول شی



دجمهوری ریاست دمطبوعاتی دفتر رئیس محترم عبدالعزیز مراد له بی بی سی سره دمرکی په ترځ کی وویل چی دافغانستان ستونزه یوه افغانی ستونزه ده او مونږ دا وړاندیز هم کړیدی چی باید غونډه په کابل کی جوړه شی.

محترم مراد د بی بی سی خبریال ته ددی پوښتنی په ځواب کی چی دسعودی عربستان دطرحی جزئیات څه دی وویل: وروسته لدینه چی دسعودی عربستان استازی خپله طرح وړاندی کړه او دهغوی له طرحی سره ضمیمه دافغانستان اسلامی دولت نظریات هم هغوی ته ورکړل شول او ددی ترځنگ دافغانستان اسلامی دولت دروانو ستونزو دحل لپاره یوه طرحه هم لرله چی هغه موهم ورکړله.

کله چی دجمهور رئیس له ویاند نه دطرحی دجزئیاتو په اړه پوښتنه وشوه ویی ویل: هغه طرح چی هغوی پیشنهاد کړیده دیوی خلور کسیزی کمیتی چی دملگری ملتونو، داسلامی هیوادونو کنفرانس، سعودی عربستان او پاکستان استازی به په کښی گډون لری چی په اسلام آباد کی به جوړیږی او وروسته بیا به دوی له همدی څلورو لوروئور هیئتونه تشکیلوی چی هغوی به بیا دافغانستان بیلا بیلو ولایاتو ته ځی چی له هر ولایت نه له دریونه تر پنځو پوری استازی انتخابوی وروسته به بیا یو غونډه جوړیږی چی له ۱۵۰ تر ۲۰۰ کسانو پوری داسلامی هیوادونو کنفرانس لخوا را بلل کیږی چی په جده کی به یولږ پریکړی کوی او بیابه دوباره راگرځی مخ په کابل.

ددی پوښتنی په ځواب کی چی په څه دلیل سعودی عربستان غوښتلی دغه غونډه چی په جده کی دستونزی دحل لپاره جوړیږی ولی په خپله په کابل کی جوړه نشی؟ وویل مونږ هم په همدی نظر یو چی دا یوه افغانی ستونزه ده او مونږ ویلی دی چی دا غونډه باید په کابل کی جوړه شی.

محترم استاد برهان الدین ربانی رئیس جمهور کشورمان در دیدار با هیئت کشور عربستان سعودی:

دولت اسلامی افغانستان از هر تلاش که به منظور تامین صلح در کشور صورت گیرد حمایت میکند

گزارش رادیو افغانستان حاکیست محترم پروفیسور برهان الدین ربانی رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان آقای احمد محمد معاون امنیت کشور عربستان سعودی را که در رأس یك هیئت وارد کابل گردیده بتاریخ ۱٦ سرطان جهت ملاقات و مذاکره به حضور پذیرفتند.

در ملاقات ابتدا آقای احمدمحمد در رابطه با اهداف سفر خویش به افغانستان به رئیس جمهور کشور مان گزارش مفصلی ارایه نمودند. سپس محترم پروفیسور برهان الدین ربانی ضمن اظهار تشکر از کشور دوست عربستان سعودی که پیوسته در راه تأمین صلح در افغانستان علاقه گرفته اند ابراز داشتند:

دولت اسلامی افغانستان همیشه آماده بوده و هست تا از هر نوع کوششی که در داخل و یا خارج کشور صورت بگیرد و هدف آن تأمین صلح باشد استقبال نماید

په ننگرهار کی دیوی غونډی په ترځ کی دشینوارو، نازیانو او شمسی چم قومی مشرانو او جهادی قوماندانانو پریکړه وکړه چی:

ظاهرشاه افغانانو ته دمنلو وړندی

سردار ولی سره دشینوارو دقوم دمشرانو په نامه ملاقات کوونکی دشینوارو په قوم پوری اړه نلری

ص(۷)

دکمونستانو دیولی غوړځنگ!! او دسردار له هڅو ملاتړ

ددغه کالبد (ظاهرشاهی نظام) د بیا را برسیره کیدو هڅو سره کمونستان ډیر خوشبین او متحرك شویدی، دمخلوع شاه د زوم هرکلی ته دگنو کمونستانو ورتگ او په غونډو کی ددوی گډون او په هغو نشریو کی چی کمونستان ځای پرځای شویدی دغه سفر ته ډیر اهمیت ورکول او دتبلیغاتی میدیا له لاری له موجودیت نه زیات ارزښت ورکول ددغی خبری ښکاره دلیل دی

ص(٦)

انعکاس سفر سردار ولی در مطبوعات پاکستان

* سردارولی نیز جنرال است ولی وقتی لشکر تحت فرمان شاه نباشد چنین جنرالی چه کاره خواهد بود؟ وی میخواهد اوضاع افغانستان را از پشاور و کویته مورد بررسی قرار دهد! چرا وی از لندی کوتل جلو تر رفته نمی تواند؟

ص(٦)

دبیا جوړونی په برخه کی دمحترم رئیس جمهور خبره دکانی کرښی ده

افغانان باید دپردیو په تمه کی پاتی نشی باید په خپلو متو دهیواد آبادولو کار پیل کړی

په هر صورت پردی هیوادونه باید وپوهیږی چی داټولی قربانی افغانانو داسلام او آزادی په خاطر ورکړی، که دوی غواړی چی له افغانانو سره مرستی وکړی او وروری ورسره ولری باید دځینو هیوادونو او خیریه موسسو په شان چی بی غرضه مرستی کوی مرستی پیل کړی او په دی توگه خپل انسانی همدردی او مرستی پر ځای کړی.

ص(۲)

در زیر ذره بین

چرا ولی خان به سردار ولی نگفت: راځه چی یوه کاوه دوباندی وڅکو!!

ص(٥)

یادداشت مدیر مسئول

راه حل مشکل باید در داخل کشور جستجو شود

تا به حال هر کوششی که جهت یافتن راه حل بحران در خارج از مرز های کشور جستجو گردیده جز ایجاد مشکلات تازه و بغرنج ساختن بیشتر اوضاع نتیجه، مثبت و عملی در بر نداشته است زیرا وضعیت ایجاد شده فعلی تا حد زیادی نتیجه سنجش های دور از واقعیت و محصول کج اندیشی افراد و دسته هایست که اراده مجاهدین و فاتحینی که چهارده سال را در بیرون راندن و شکست روسها و اذناب داخلی آنها وسه سال اخیر را در دفاع از انقلاب و دولت اسلامی سپری نموده اند در نظر نگرفته و یا کمتر به آن توجه کرده اند.

با وجود این تجربه ناکام هنوز هم هستند کسانی که ساده لوحانه برای احیای حالت گذشته دست و پا میزنند و امیدوارند شرایطی که تا چند ماه قبل برای آنها میسر شده بود بار دیگر در آن موقعیت قرار بگیرند و چند صباحی از آنطریق نشخوار کنند غافل از آنکه موقعیت های گذشته حالت استثنائیی بود که شرایط خاص زمان و حالت حاکم بر منطقه برای آنها بوجود آورده بود و مشکل به نظر میرسد وضیعت قبلی برای آنها دوباره اعاده شود.

اگر زور گوئی اپوزیسون مسلح و حامیان خارجی آنها برای سرنگونی دولت اسلامی عملی و ممکن می بود و طرحهای ریخته شده در برون مرزها میتوانست حلال مشکلات باشد امروز معضله ای وجود نمی داشت وملت و کشور ما به مشکلات کنونی مواجه نمی بود بدون تردید بسیاری از کوششها صادقانه و مخلصانه آغاز گردید ولی قبل از رسیدن به نتیجه یا به اثر فشار مخالفین برای بدست آوردن امتیازات غیر عادلانه و نابجا و یا به علت عدم بر آورده شدن منافع خارجیان ناکام ماند.

در شرایط کنونی که دولت اسلامی در تمام زمینه ها بر مخالفین دست بالا را دارد و به آرایش نظامی و سیاسی مخالفین صدمه جبران ناپذیری وارد آمده

ص(۷)

سخنی با مؤسس و صاحب امتیاز نشریه، ارمان

کمونیست ها بیش از یك و نیم ملیون انسان را کشتند هزاران نفر را زنده بگور نمودند... فریاد ها را بزور برچه در گلو ها خفه کردند ولی برادران ما چه می کنند؟ بلند گو در اختیار همان جانیان و فرومایگان می گذارند تا هم به خون های شهدای ما و آرمانهای جهاد ما توهین کنند و هم به ریش کمك دهنده بخندند!

ص(٥)

داسلامی دولت پر خلاف د یوی بلی ناکامی حربی هڅی

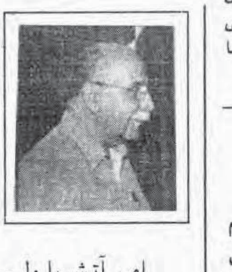
ددولت پرخلاف په ائتلاف کی خو که یو شمیر معلوم الحال دښمنان او داسلام او ملت بدخواهان دی دهغوی حساب له نورونه بیل او جدا دی خوله یو شمیر افرادو او ډلو سره دولت هرډول تفاهم او خبروته تیار ؤ او دی

ص (۳)

اسلام تعدد ازدواج و طلاق

آیا با تجویز تعدد ازدواج و طلاق به زن اهانت شده است؟ ص(٦)

سردار ولی، کارنامه، گذشته ـ امید های آینده!!



امر آتش را ولی داماد ظاهر شاه داد شوق این سردار جانی در تباهی را ببین!

ص(۳)

موضوع هفته

از مصالحه تا مداخله

از آوانی که انقلاب اسلامی در افغانستان به پیروزی رسید و مجاهدین در آستانه تشکیل دولت اسلامی قرار گرفتند متصل با آن مشکلات و نا آرامی هائی در افغانستان دامن زده شده و علاوه بر وقوع حوادث ناگوار ناشی از جنگ های خونین، تحرکات و فتنه انگیزی های دیگری که مشکل کمتر از جنگ مسلحانه در برنداشته تشویق و ترغیب گردید.

همزمان با بروز مشکلات و ایجاد تشنج افراد، گروها، کشور ها و سازمانهای منطقه و جهان اعم از مسلمان و غیر مسلمان برای مصالحه و جلوگیری از بحرانی شدن بیشتر اوضاع داخل اقدام گردیدند.

از آنجائی که وظیفه و وجیبه اسلامی و دینی مسلمانان ایجاب مینماید تا در صورت بروز مشکل میان برادران مسلمان و هم کیش شان به مصالحه و بر قراری صلح و تفاهم بپردازند هیئت های مختلفی به اینکار مبادرت ورزیدند.

دولت اسلامی با پیروی از اصل بالا از هر تلاشی که در این راستا توسط مصلحین مسلمان و غیر مسلمان صورت گرفت استقبال نموده آنرا بفال نیک گرفت و در حد توان از خود انعطاف و نرمش نشان داد تا راه برای فعالیت صلح خواهان باز و خاطر آنان از جانب دولت اسلامی مطمئن باشد اینکه چرا کوششهای مصلحین نتائج مطلوب و دلخواه به بار نیاورد و چه عواملی باعث به ثمر نرسیدن این تلاشها برای منتج شدن به صلح پایدار و پایان بحران گردید بحث جداگانه ایست که هم مصلحین و هم ملت افغانستان از آن آگاهی دارند.

آنچه در این نوشته موضوع بحث است اینست که در پشت بسیاری از این کوششها دستهای مرموز و غیر مرئی در کار بوده تا جریان صلح را بنفع خارجیان و در محور اهداف معین که ضامن بر آورده شدن اغراض دیگران باشد در گردش نگهدارند. به همین علت است که تلاشهای صلح قبل از آنکه بخاطر صلح صورت گرفته باشد به رقابت های ناسالم سیاسی و اقتصادی تبدیل شد و یا واضح تر بگویم مصلحین شکار توطئه های جهانی و منطقه ئی گردیده و کمتر سعی در جهت ریشه یابی بحران و عوامل بازدارنده جنگ و تشنج انجام گرفت و در واقع دزد و صاحب خانه از همدیگر تفکیك و تمیز نگردید.

کشور های همسایه و مسلمان که نقش اساسی در بر قراری صلح و ضمانت آن در افغانستان دارند در بسا موارد بدون آنکه متوجه بوده باشند که افغانستان قوی و آرام به نفع آنها و سپر دفاع شان در برابر هجوم بیگانگان و پل ارتباط میان آن کشور ها در گذشته و حال بوده، یا ناخود آگاه وسیله ادامه بحران در افغانستان گردیدند و یا طوری عمل کردند که صلح معنی و اعتبار اصلی خود را از دست داده و به یك مسكن عاریتی تبدیل شود که بجای علاج، مشکلات مزمن دیگری را ببار آورده است.

از آنجائی که تلاشهای صلح غالباً یا صبغه خارجی و برونی داشته و یا متأثر از آن بوده، و بیشتر در جهت ضیاع وقت و ترکیز روی جنبه های ضعیف و غیر موثر بعمل آمده امید کامیابی مصلحین روز تا روز کمتر گردیده است. روی این اصل هر چند در صدد آن باشیم تا عیوب را بپوشانیم کاسه صبر مردم در قضاوت شان مبنی بر تفکیك میان صلح و مداخله لبریز گردیده و با مشاهده اوضاع به این نتیجه میرسند که هر تلاشی که تا به حال بنام صلح صورت گرفته به اثر مداخلات خارجی سبوتاژ شده و در تشنج اوضاع افزوده است.

نمونه واضح اینگونه صلح خواهی را میتوان در تحرکات اخیر و میز بانی از سردار ولی نماینده شاه مخلوع بدون مشکل مشاهده کرد هر چند اگر کشور میزبان در دعوت وی حسن نیت داشته باشد ولی حساسیت اوضاع و آگاهی خارجیان از ناتوانی سرداران در گذشته نیت خیر آنها را خدشه دار ساخته زیر سوال خواهد برد.

احساسات مردم ما وقتی آشفته و آشفته تر میگردد که در پیشاپیش مستقبلین سردار چهره های منحوس افراد رژیم های کمونیستی سابق که [illegible] باشند به مشاهده [illegible] به عنوان حامیین ملی باید دو [illegible] میرسند و با خوشحالی زاید الوصفی به رقص و پای کوبی از جنرال پوسیده و مریض استقبال مینمایند در حالیکه همین ها برای رسوا [illegible] چیدن رژیم سلطنتی سر را ازپی نمی شناختند.

اکنون این سوال ایجاد می شود در صورتیکه دولت همسایه ما در زمان سلطنت سرداران همیشه در مجادله و کشمکش با آنها بر سر برده اند و ملت افغانستان از ناتوانی سردار آگاهی کامل دارد چه عاملی موجب علاقمندی بیش از حد همسایه ما به یا دهانی از احیای سلطنت گردیده است؟

بنا نتیجه یکه بدست میاید این خواهد بود که دشمنان دوستی و برادری افغانستان و پاکستان در صدد تیره ساختن روابط دو کشور مسلمان و همسایه است تا به این ترتیب زمینه های همکاری مشترك و قرار گرفتن دو کشور قوی دارای ملت واحد در منطقه از بین برود. در غیر آن هیچ عاملی نخواهد توانست به روابط عمیق دو ملت و دولت مسلمان آسیب وارد نماید.

داسلامی دولت پرخلاف دیوی بلی ناکامی حربی هڅی

دپخوانی پاچا محمدظاهرخان دزوم سردار عبدالولی خان سفر پاکستان ته او د یو لړ حلقو هلی ځلی ښیی چی داسلامی دولت په مقابل کی دیوه نوی مخالفی جبهی دجوړیدو هڅی روانی دی.

که څه هم طالبانو دیو لړ عواملو له مخی په لومړیو شیبو مباشتو کی داسی پرمختګونه وکړل چی دغرب سیاسی حلقی یی حیرانی کړی خو وروسته بیا داسلامی دولت له پوځ سره ددوی ټکر او بشپړی ماتی وښودله چی طالبان دابتکار- ځواك- نظم او پوځی برلاسی له امله پر مختګ نه و کړی بلکی د دوی مقابله له ډیرو کمزوری او شړیدلی ځواك سره وه. چی داولس په مینځ کی د دوی دوسله والو افرادو پرخلاف ژوری کرکی خپل اوج ته رسیدلی وی. خو کله چی طالبانو دحزب په لاس کی سیمی یو پربل پسی ونیولی او دکابل په دروازو ودریدل دی ته اتکل شوی بری د دوی حواس دومره ور خراب کړل چی نه ئی خپل حیثیت ته پام شو او نه ئی په مقابل کی داسلامی دولت منظم پوځ ته، دوی هرڅه دټول ملت خلع سلاح!! دخپل اصلی شعار په حیث اعلام کړله ادعائی وکړه چی په لنډو ورځو کی به کابل هم نیسی او د دوی حکومت به جوړیږی!! خو ومولیدل چی د دوی دغه خوبونه ډیر زر وتښتیدل، دطالبانو افسانوی ځواك داسلامی اردو په وړاندی په ګوندو شو او ډیر زر چار آسیاب او لوګر نه وتښتیدل په جنوب لویدیځ کی هم په لنډه موده کی دفراه او نیمروز له ولایتونو نه په بشپړ ډول تصفیه شول دطالبانو ماتی چی په طبیعی ډول د دولت دپخوانیو مخالفینو دائتلاف ماته هم ارمغان راوړی وه دهیواد بهرنی دشمنان په سوچ کی کړل او داځل یی هڅه داده چی دیوی مخالفی جبهی له لاری دولت له پښو وغورځوی،

داخو دقضیی یو اړخ ؤ چی داسلام او وطن دښمنانو دافغان اولس ته څه ور دام ایښی دی. خو دا حتمی نه ده چی زموږ د دښمنانو هره دسیسه او هره طرحه کامیابه وی، لکه چی تر اوسه پوری زموږ دمجاهد قوم په وړاندی په لسګونو بهرنی توطیی چی ددی اولس پرخلاف جوړی شوی دی ناکامی او خنثی شوی په خپل غیرتی خدای (ج) مو باور دی چی دغه وروستی توطیه به هم ناکامیږی، بهرنیو حلقو تل دخپلو طرحو په رابطه په یو لړ داسی فکتورونو حساب کړی دی چی په افغانی جامعه چندان دحساب وړنه وی ځکه خو یو په بل پسی دتوطیه ګرانو له څیرونه نقابونه پریوزی او زموږ غیور اولس هم ګام په ګام خپل دوستان او غلیمان یوله بله سره پیژنی.

ددولت پرخلاف په ائتلاف کی خو که یو شمیر معلوم الحال دښمنان او داسلام او ملت بدخواهان دی دهغوی حساب له نورونه بیل او جدا دی خوله یو شمیر افرادو

ددولت پرخلاف په ائتلاف کی خو که یو شمیر معلوم الحال دښمنان او داسلام او ملت بدخواهان دی دهغوی حساب له نوروته بیل او جدا دی خوله یو شمیر افرادو او ډلو سره دولت هرډول تفاهم او خبروته تیار ؤ او دی دافغانستان اسلامی دولت دوخت او زمان په بیلابیلو پړاونوکی پر خپلو مسلمانو مخالفینو غږ کړیدی چی دخبرو او تفاهم له لاری دستونزو په حل کی خپل رول ولوبوی او دافغانستان او اسلامی دولت پرخلاف دتوطیو په وړاندی دافغانستان اسلامی دولت سوله ییزی ستراتیژی په اساس ورسره ځان هم غږی کړی، اوسنی توطیی چی دجهاد دارمانونو او دمجاهدینو په لاس ټینګ شوی اسلامی دولت په وړاندی په لاره اچول شویدی ددغو اهدافو له درك سره دغه توطیی خاوری او خنثی کیدای شی.

دبیا جوړونی په برخه کی محترم رئیس جمهور خبره دکانی کرښی ده

افغانان باید دپردیو په تمه کی پاتی نشی باید په خپلو متو دهیواد آبادولو کار پیل کړی

دافغانستان زیاتره برخی، ښارونه، کلی او بانډی دروسانو دوحشیانه یرغل او دهغوی عملیاتو او بمباریو له وجی دخاورو سره خاوری شوی نه کورونه پاتی دی، نه کروندی، نه ویالی، نه ښوونځی، نه روغتونونه، نه هم دولتی تاسیسات او نه هم لاری او سرکونه، په دی دوران کی د هیواد زیاتره برخه له مینځه تللی او نور کارونه هم ټول په ټپه دریدلی، ددی ټولو تباهیو مسئولیت دپردیو روسانو په غاړه دی [illegible] روسانو تر تیښتې [illegible] وروسته [illegible] ښنګ چی افغانانوته موقع ورنکړای شوه چی له روسانو خپل تاوانونه واخلی بلکی اسلامی دولت هم چی دهمدی ملت دهیلو او قربانیو نتیجه وه په داسی ټیل شو جګړو کی ښکیل شو چی بیخی دبیا جوړونی چانس یی لاس ته را نوړه په دی دوران کی اسلامی دولت دپردیو ګوډاګیانو سره په جګړی کی یوخت ؤ او هغو خیریه موسسو چی ظاهراً یی دمرستی او بیا ودانولو نعری وهلی خپله کارونه بند کړی او پکی جدی نه ؤ او همدا جګړه یی دخپل کار په وړاندی لوی خنډ باله ځکه ولکه څنګه یی چی دچا خبره کش او فش دی هسی کارونه یی دهیواد په [illegible] کی [illegible] هغو سیموکی چی بیخی جګړه پکی نه وه ونکړل، په داسی حال کی [illegible] دافغانانو ست [illegible] دوی ته [illegible] دبهرنیو مرستو پرته دبیا ودانولو کارناشونی هم ښکاریده که څه هم چی په کابل کی دجګړو په دوران کی هم دخیریه موسسو دی بهانی خلك نشو قانع کولی ځکه زیاتره ولایاتو کی آرامی وه او دوی کولی شو خپل کارونه هلته پر مخ بوځی خو بیا هم په هغه دوران کی داسی فکر کیده که دکابل څخه دجګړی لمن ټوله شوه او هلته امنیت راغی ښایی دا بهرنی خیریه موسسی او بهرنی هیوادونه دبیا آبادولو برخه کی مرستی پیل او خپلو هڅو کی لاجدی شی ځکه و چی دکابل له خواو شا څخه دمخالفینو تر شړلو وروسته اسلامی دولت زیاترو هیوادونوته هیئتونه ولیږل ترڅو دکابل ښاردبیا جوړولو او هیوادکی دبیا ودانولو برخه کی خپلی مرستی پیل کړی ځکه دپردیو دجګړی له وجی [illegible] دکابل [illegible] دومره زیانمن شوی چی ملیونونو ډالر مرستی ته ضرورت لری او دا نه دافغان ولس او نه هم اسلامی دولت وس په کی دی که څه هم چی دځینو هیوادونو هیئتونو کابل ته سفرونه وکړل او ژمنه یی هم وکړه چی زر به دبیا جوړولو برخه کی مرستی پیل کړی خو په عملی ډګر کی بیا دوی هیڅ ګام وانخست او ټول چوپه خوله پاتی شول ځکه دی چی اوس داسلامی دولت جمهور رئیس استاد برهان الدین ربانی اعلان کړی چی نور باید دپردیو مرستو په تمه پاتی نشو، باید متی را ونغاړو او په خپلو متو خپل هیواد آباد کړو.

داستاد دا خبره که دیوی خوا افغان ولس هڅوی چی باید یو بل ته په لاس ورکولو او میړانی سره دبیا آبادولو هڅی پیل شی دبلی خوا د دښمنانو له څیرو هم پرده راغورځوی دهغو پردیو له څیرو چی په خوله دمرستو ا[illegible] خواخوږ[illegible] نعری وهی او عملاً یی بیا مرستی مشروطی او دی پوری تړلی دی چی باید یا دهغوی... او یا هم دهغوی په سلا ګام واخیستل شی.

په هر صورت پردی هیوادونه باید وپوهیږی چی داټولی قربانی افغانانو داسلام او آزادی په خاطر ورکړی، که دوی غواړی چی له افغانانو سره مرستی وکړی او ورورۍ ورسره ولری باید دځینو هیوادونو او خیریه موسسو په شان چی بی غرضه مرستی کوی مرستی پیل کړی او په دی توګه خپل انسانی همدردی او مرستی پر ځای کړی.

سردار ولی، کارنامهء گذشته ـ امید های آینده

سفر سردار عبدالولی به پاکستان و استقبال وی و بخصوص رویهء گرم و پذیرائی استثنائی از او را بعضی حلقه های خوش باور ناشی از آن میدانند که سردار صاحب هم داماد و هم مشاور نزدیك پادشاه سابق بوده و بعنوان نمایندهء خاص وی به پاکستان آمده است. در حقیقت احترام کشور میزبان به وی بخاطر احترام به پادشاه مخلوع است.

آیا واقعاً چنین است؟ آیا کشور های مداخله گر واقعاً امید به آن پیر مردبسته اند و یا اینکه ظاهرشاه صرفاً یك نام و یك بهانه است، محملی است که بوسیلهء آن ارادهء دیگران بر افغانها تحمیل گردد ؟!

اگر ما دوران چهل سال زمامداری ظاهرشاه از سال ۱۳۱۲ تا ۱۳۵۲ را بصورت اجمالی مورد بررسی قرار دهیم به این نتیجه می رسیم که ظاهر درین دوران هیچگاه خود بصورت مستقل توان حکم راندن نداشته است. پس از کشته شدن پدرش هر چند وی در ظاهر پادشاه بود ولي قدرت عملاً در دست کاکاهایش هاشم خان، شاه محمود خان و شاه ولی خان (پدر سردار ولی) قرار داشت و وقتی هم که آنها یا مردند و یا بعلت کبر سن باز نشسته شدند نوبت به نسل دوم از خانواده رسید که حکمروائی کنند پسران کاکا یعنی داودخان و نعیم خان.

پس از هاشم خان (که خود مقطوع النسل بود) کسیکه میتوانست بعلت بیشترین شباهت های روانی وارث وی به حساب آید سردار محمد داود بود. وی در دوران ایفای وظایف مختلف چه نظامی و چه ملکی بخاطر روش خشن خویش به (سردار صاحب دیوانه) شهرت یافت و در داخل خانواده نیز وی بعنوان یك (زورگو) یا به اصطلاح (بدمعاش!) شناخته شد که همه دربر خورد با وی جانب احتیاط را رعایت میکردند.

اینکه ظاهرشاه توانست چهل سال با آرامش خاطر بر افغانستان سلطنت کند ناشی از استبدادی بود که نادر خان آنانرا بنیاد نهاد و بوسیلهء برادرانش بخصوص هاشم خان ادامه یافت. سیاست (استبداد وقفوی) که طی آن به ملت برای تقریباً یك دههٔ آزادی میدادند تا شخصیت های آزادیخواه سربلند کنند و بعد با استقرار استبداد برای یك دههء بعد آن شخصیت ها را قلع و قمع می کردند با کودتای ۲٦ سرطان داودخان ادامه یافت. این کودتا در حقیقت ادامهء همان سیاست کهن بود.

جای تاسف است که [illegible] مورخین دوران معاصر که خود [illegible] دوران از نزدیك شاهد جریانات بوده اند در رابطه با داود و عملکرد هایش بامسامحه و اغماض برخورد نموده اند شاید بیشتر به این علت که داود بوسیلهء کمونیست ها کشته شد و (اذکروا موتاکم بالخیر). در حالیکه در تاریخ نگاری به معنی واقعی آن جائی برای اینگونه اغماض و مسامحه وجود ندارد.

شاید کسانی هم وجود داشته باشند که دست زدن داود خان به کودتا علیه ظاهرشاه را ناشی از احساس وطن دوستی داود قلمداد نماید ولی درین میان یك فاکتور مهم دیگر نیز وجود داشته که یا از نظر ها بدور مانده و یابه آن اهمیت داده نشده است و آن کشمکش های داخلی بر سر قدرت در داخل خاندان بخصوص بین داود خان و سردار ولي است.

پس از هاشم خان داود خان قدرتمند ترین شخصیت (خانواده) بحساب می آمد و تا مدتها هیچ قدرتی که بتواند موقف انحصاری (سردار صاحب دیوانه) را مورد تهدید قرار دهد وجود نداشت اما در دههء به اصطلاح دیموکراسی که داود موقتاً از قدرت به کنار نهاده شد در داخل (خاندان) شخصیت جدیدی قد علم کرد که موقف داود خان را بعنوان بد معاش خانواده زیر سوال برد و او صاحب منصب جوان (دگروال ارکان حرب سردار عبدالولی) پسر کاکای ظاهرو داود و پسر مارشال شاه ولی خان بود. در آن زمان که گرفتن رتبه نظامی به ابتذال کشیده نشده بود سرعت پیشرفت و ترقی سردار ولی موجب بروز شایعاتی گردید. سردار ولی بزودی به مقام بسیار حساس (قوماندان قوای مرکز) تعیین شده که نشان از اعتماد کامل پادشاه به وی داشت.

سردار ولی سخت تشنهء قدرت بود و با کنار رفتن داود خان از صحنه راه رسیدن به قدرت برای وی کاملاً هموار به نظر می آمد شاهزاده ها همه در عیش و عشرت غرق بودند و ولیعهد (شهزاده احمد شاه) به شراب بیش از مقام سلطنت دلبستگی داشت. فقط کافی بود تا شاه بمیرد... اما سردار ولی با داود یك فرق اساسی داشت. در حالیکه هردو سردار برسر رسیدن به قدرت درگیر کشمکش پنهان بودند، داود با صاجب منصبان پائین رتبه اردو که بیشتر شان کمونیست بودند رابطهء نزدیك داشت و میخواست از طریق احزاب کمونیست وابسته با ماسکو به قدرت برسد در حالیکه سردار ولی تحت تاثیر نصایح پدر قرار داشت که به نقش سران اقوام و قبایل و جلب حمایت رده های بالای نظامی در اردو ارج و منزلت خاص قایل بود زیرا خانوادهء سلطنتي بقدرت رسیدن خود را مدیون همین عناصر بود. سردار ولی به این گمان بود که جامعهء افغانستان عملاً توسط سران قبایل کنترول میشود و جلب حمایت این سران براي رسیدن به قدرت کافی خواهد بود او به این سیاست کهنه و عنعنوی آنقدر توجه داشت که حتی سعی مینمود از بازی بزکشی نیز برای جلب حمایت خانها از خود استفاده کند زیرا بسیاری از روسای تیم های بزکشی و صاحبان اسپ های گرانقیمت بزکشی خان و زمیندار بودند.

اشتباه دیگر سردار ولی این بود که گمان میکرد کنترول اردو در دست صاحب منصبان بالارتبه است و باید با اینگونه افسران رابطهء نزدیك داشت او حتی سعی کرد تا چنین روابط را با رشته های خویشاوندی تقویت نماید مثلاً دختر خود را به پسر جنرال محمد عارف داد که در آن موقع سفیر افغانستان در ماسکو بود اما بصورت کلی افسران بالارتبهء اردو در آن زمان از سردار ولی (این جوانك بلند پرواز و مغرور) دل خوش نداشتند.

رقابت سردار داود و سردار ولی با کشتار سوم عقرب ۱۳٤٤ منجر گردید که در آن نقش سردار ولی کاملاً آشکار بود.جریان از این قرار بود که دکتور محمد یوسف با کابینهء جدید عازم شورا گردید تا از پارلمان رای اعتماد بگیرد تعدادی از محصلین پوهنتون و متعلمین مکاتب کابل درین روز در جلو شورا اجتماع نموده بودند و چون از ورود آنان به شورا جلوگیری شد با نیروهای امنیتی برخورد نمودند. گفته میشود که این تظاهرات بوسیلهء کمونیست های طرفدار ماسکو از داود خان دستور می گرفتند سازمان داده شده بود ولی اکثریت تظاهر کنندگان وابستگی به جریانات سیاسی نداشتند.کمونیست ها فقط از احساسات مردم سوء استفاده کردند.

درین موقع ناگهان عده ئی از سربازان قوای مرکز وارد صحنه شده و بروی تظاهر کنندگان آتش کشودند. درین جریان چند نفر که هیچکدام کمونیست نبودند بقتل رسیدند. شاعر گمنامی در آن روز آن ماجرا را در قالب شعر آورد که چند فرد از آن چنین است:

ظلم بی حسد رژیم پادشاهی را ببین
کشتن ما را نظر کن بیگناهی را ببین
معبر کابینهء خائن زبهر انتقال
سرخ از خون جوانان شد تباهی را ببین
یوسف(۱) قیوم(۲) و ظاهر(۳) فتنه ها انگیختند
در دل تاریخ این داغ سیاهی را ببین
امر ببجای ولی کشتار مزدوران شاه
فیر ماشیندار و احکام شفاهی را ببین
امر آتش را ولی داماد ظاهر شاه داد
شوق این سردار جانی در تباهی را ببین

سرکوب قیام علما در مسجد پل خشتي و بزندان کشیدن اعضاي تحریك اسلامي نیز به فرمان همین سردار صورت گرفت.

یك خبرنگار ایتالوي:

من در ظاهرشاه علاقه ئی به مسایل افغانستان سراغ نکردم. تمایلی اندکی هم که از وی دیدم بیشتر ناشي از القائات داماد وی عبدالولی است که سخت علاقه دارد نقشی در آیندهء افغانستان داشته باشد.

کشمکش میان این دو سردار بر سر قدرت سر انجام به پیروزی داود خان و شکست سردار ولی انجامید. شب هنگام تانکهای کودتاگران منزل سردارولی را محاصره کردند او سعی نمود تا مقاومت نماید اما کودتاگران گوشه ئی از دیوار منزل وی را هدف فیر تانك قرار دادند و سردارصاحب تسلیم شد و مدتی در زندان رقیب سپری کرد و بعداً به خیر و عافیت نزد ظاهرشاه به روم فرستاده شد.

در میدان های هوائی اسلام آباد و پشاور نیز کمونیست ها با بیرق و عکس های ظاهرشاه با استقبال سردار ولي رفتند. در میدان هوائی پشاور دو چهرهء مشهور از کمونیست ها با بیرق و عکس کاملاً مشخص بودند: عبدالرشیدجلیلی کمونیست معروف و از وزارای سابق کابینهء کمونیست ها و در محمد وفاکیش رئیس دفتر حفیظ الله امین و یکی دیگر از جنایتکاران خلقی.تعداد دیگر از کمونیست ها با ریش و پکول امده بودند و با (اتن ملی) خاطرهء دوران قدرت خلقی ها در کابل را تجدید کردند و با دست افشانی و پایکوبی به اصطلاح خمار چندین ساله را شکستند!!

تا پس از کودتای ۷ ثور ۵۷ و سرنگونی رژیم داود و قتل او و خانواده اش بدست کمونیست ها که جهاد علیه مزدوران روس در افغانستان آغاز شد نام و نشانی از سردار ولی مشهود نبود مدتها بعد از تجاوز مستقیم روسها به افغانستان یك خبرنگار ایتالوی پس از اصرار زیاد موفق شد تا ظاهرشاه را به مصاحبه راضی سازد. وی بعد از این مصاحبه با صراحت گفت که من در ظاهرشاه علاقه ئی به مسایل افغانستان سراغ نکردم. تمایلی اندکی هم که از وی دیدم بیشتر ناشي از القائات داماد وی عبدالولی است که سخت علاقه دارد نقشی در آیندهء افغانستان داشته باشد.

داودخان داغ حسرتی را بر دل سردارولی نهاد که هرگز التیام نیافته است داغ حسرت رسیدن به قدرت را! و مداخله گران از این نقطهء ضعف سردارصاحب بخوبی آگاهی دارند. سردار ولی در بدل رسیدن به قدرت حاضرۀ هر نوع معامله گری است خانوادهء وی در اینگونه معامله گری ها سابقه دارد...

ظاهرشاه فقط پرده ئی برای اهدافی است که هریك از قهرمانان و کارگردانان این ماجرا در رابطه به افغانستان دارند سردارولی میداند که اگر ظاهرشاه به افغانستان باز گردانیده شود فقط سمبول خواهد بود و همان نقشی را که هاشم خان در دوران طفلی ظاهرشاه و داودخان در دورهء جوانی اش بعهده داشتند سردار ولی درین دوران کهولت وی بعهده خواهد گرفت. کارگردانان این صحنه نیز میدانند که اگر قدرت را به شخص ضعیف بخشند که سخت تشنهء رسیدن به آنست او حاضر خواهد بود هرنوع امتیازی را به بخشندگان قدرت ارزانی دارد.

درین میان موقفی که کمونیست ها بخصوص خلقی ها و پرچمی ها اتخاذ نموده اند در خور توجه است. سیدمحمد گلابزوی وزیر داخله رژیم کمونیستی و کمونیست معروف در مصاحبه با بی بی سی ضمن اظهار ندامت از گذشته از آمدن سردارولی به پشاور استقبال نمود و اظهار داشت که کمونیست ها و بیطرف ها همه با آمدن ظاهرشاه به کشور راضی اند زیرا با بازگشت ظاهرشاه صلح و امنیت به افغانستان بازخواهد گشت. یکی از جنرال های کمونیست سابق بنام گل آغانیز عین همین جملات را تکرار کرد.

در میدان های هوائی اسلام آباد و پشاور نیز کمونیست ها با بیرق و عکس های ظاهرشاه با استقبال سردار ولی رفتند. در میدان هوائی پشاور دو چهرهء مشهور از کمونیست ها با بیرق و عکس کاملاً مشخص بودند: عبدالرشیدجلیلی کمونیست معروف و از وزارای سابق کابینهء کمونیست ها و دو محمد وفاکیش رئیس دفتر حفیظ الله امین و یکی دیگر از جنایتکاران خلقی تعداد دیگر از کمونیست ها با ریش و پکول آمده بودند و با (اتن ملی) خاطرهء دوران قدرت خلقی ها در کابل را تجدید کردند و با دست افشانی و پایکوبی به اصطلاح خمار چندین ساله را شکستند!!

سفر سردارولی به پاکستان و استقبال رسمی وی را نمیتوان تحولی در ستراتیژی مداخله گران در قبال مسئلهء افغانستان بشمار آورد بلکه این کار صرفاً یك تغییر تاکتیکی پس از آزمودن تاکتیك های ناکام گذشته است. مداخله گران به این فکر اند که پس از وقایع سه سال گذشته دیگر ابهت و احترام مجاهدین نزد ملت افغان از میان رفته و زمان آن فرا رسیده است تا مجاهدین از صحنه سیاسی کشور برای همیشه حذف گردند و با بازگشت نظام فرتوت گذشته نه تنها افغانها بلکه همه مسلمانان جهان عملاً به این نتیجه برسند که انقلاب اسلامی موجب هیچ تغییری در جامعه نمی شود.

اما ما مطمئن هستیم که این توطئه نیز همانند دسائس گذشته دشمنان به شکست مواجه خواهد شد و مداخله گران از این حربهء کهنه نیز بهره ئی نخواهند برد.

۱- داکتر محمد یوسف صدراعظم

۲- داکتر عبدالقیوم وزیر داخله

۳- داکر عبدالظاهر رئیس ولسی جرگه

زمینه های عمران و توسعه در افغانستان

بخش پنجم

از کتاب

اقتصاد افغانستان و ۱۲ سال جنگ

ترجمه، واقف حکیمی

و- کوتاه ترین راههای خشکه، قابل استفاده

راههایکه افغانستان را به بحر های جهان وصل می کند از اراضی پاکستان وبنادر آن (کراچی -قاسم) که بحیره، عرب در مقابل سلطنت عمان وامارات واقع اند ، می گذرد ؛ واین امر از پاکستان تسهیلات بیشتری را برای افغانستان میخواهد مانند اجازه دادن به ترکهای افغانستان که به بنادر بحری بدون قیود برسند و تخصیص اماکنی در این بندرگاهها برای کالاهای افغانی ودادن اولویت به آنها در بارگیری وتخلیه ، واگر تفاهم وتعاون در میان دولتین افزایش یافت ممکن است که این تسهیلات به اعطای حق طبیعی افغانستان در رسیدن به بحر عرب تحول نماید وبندری در آنجا برایش اختصاص یابد.

وامکان دارد که ایران نقش مشابهی را از طریق راه «زرنج - زاهدان - بندرعباس » بر تنگه هرمز ، واز طریق ربط افغانستان به خطوط راه آهن ایران وبعداً به خطوط راه آهن ترکیه باکشیدن آن از مشهد به هرات بازی کند ، ولی این امر مربوط به روابط بین المللی ایران در منطقه خواهد گردید.

الف۔ نظر به نبودن راه آهن در افغانستان وخشکه بودن کشور آن ، وخرابی ایکه به راههای خشکه دست داده است وبه مشاکلی که از ناحیه پستی وبلندیهای وجری به علت ناهمواری سطحش وبرفباری در زمستان روبرو است ، باید به حمل ونقل هرایی توجه زیادی صورت گیرد تا نقش بزرگتری را در حمل ونقل داخلی وخارجی ایفا نماید واین امر خواستار ترمیم میدانهای هوای داخلی که در اکثر ولایات وجود دارند وهمچنان ترمیم دو میدان هوای بین المللی کابل وقندهار می باشد توأم با پیشرفته سازی آنها وکمك به شرکت « آریانا » وتوسعه، برخی از پایگاههای هوای نظامی مانند « شیندند » بخاطر استخدام برای مقاصد ملکی وبه این شکل مسافت بین افغانستان - میدان قندهار یا شیندند - وکشورهای خلیج به کمتر از یك ساعت پرواز از طریق فضای ایران در می آید که حرکت سریع مبادلاتی را در زمینه، تجارت - وفرهنگ وتمدن- بوجود می آورد ، میوه ها وسبزیجات وادی هلمند وارغنداب در نزدیکی قندهار بازار گرمی در کشور های خلیج خواهند یافت.

جـ- بخاطر تقویه، ارتباطات در داخل وخارج می شود از پروژه جاپانی وپروژه بانك اسلامی که از آنها در بخش چهارم ذکر گردید دعوت بعمل آورد.

د - آغاز باسیستم ارتباط تلیفون ساده ، مانند سیستم رادیو بخاطر آسانیها وهماهنگی آن با شرایط کشور . (٦)

هـ-إعاده، توانائیهای افراد مسلکی مخابرات که در تجمعات مهاجرین بسر می برند ، چون تقریباً ۱۰۰ نفر از آنان در پاکستان وجود دارد ، (۷) وتأسیس مراکزی برای تربیت عناصر جدید ، وتحول بخشیدن به لیسه مخابرات در کابل.

و- توسعه دائره ارتباطات تیلگرافی ، زیراکه فعلاً تیلگراف تنها بین چهارشهر : کابل ، مزارشریف ، جلال آباد وقندهارفعّال است وبا سیستم «مورس» فعالیت مینماید . (۸)

-انکشاف ترانسپورت ومخابرات در افغانستان به استقرار امنیت وگسترش سیطره، دولت کمك خواهد کرد وبه سرعت ایجاد تحولات اقتصادی واجتماعی وفکری مورد نیاز بعداز جنگ نیز باری خواهد رسانید ، وگزارش کمیساریای سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۸م مخارج اعمار حمل ونقل وترانسپورت را به مبلغ ۷ .۵۸ ملیون دالر تخمین کرد (۹) کسی که بر سیاستهای عمران این بخش واهداف پروژه ها وگرایش های آنها تأثیر خواهد کرد آثار خود را بر آینده افغانستان بجا خواهد گذاشت ، مثلاً پروژه « راه خشکه وراه آهن کابل - فرانکورت بطول ۷ هزار کیلومتر از طریق ایران - ترکیه - بلغاریا - ـ گوسلاویا - اتریش » که گزارش کمیساریای سازمان ملل متحد آنرا بیان داشته است (۱۰) ؛ روابط اقتصادی وتمدنی وفرهنگی افغانستان را با اروپا تقویت خواهد کرد ، وتأسیس پایگاهی بخاطر ارتباطات زمینی با اقمار مصنوعی توسط امریکائیها - بدون ضوابط قبلی - زمینه های بهتری را برای تأثیر غربی از طریق رادیو وتلویزیون فراهم خواهد نمود ، درحالیکه ایجاد پایگاهها برای تقویت امواج رادیو وتلویزیون داخلی تا نشرات آنها به همه، اطراف افغانستان برسد حکومت مرکزی در کابل را در اجرای برنامه هایش کمك خواهد کرد.

پنجم : امور مالی وتجارت خارجی

آینده این بخش - مانند بخشهای دیگر - به حالتی که جنگ اقتصاد افغانستان را بر آن واخواهد گذاشت وبه نوع حکومت این آینده وشیوه اقتصادی وسیاست های داخلی وخارجی آن وبه فر آورده های بخشهای اساسی تولید وخدمات مربوط می شود وبرای اینکه این ارتباطات که مشخصات آینده را می سازند تا هنوز احتمال چندین وجه را دارا می باشند ، ما در اینجا به ذکر محدوده های عمومی وطرح بدیلهای متنوع با درنظرداشت ساختارهای اقتصاد افغانستان در گذشته ودرجه، کار آیی آنها درسایه، ویرانی جنگ بسنده می شویم :

۱- روشن است که میزان تجاری عبارت از بند اساسی در میزان پرداخت های هر کشور است ، وتصحیح میزان اولی توازن دومی را اعاده می کند . واین از افغانستان که به کسر بزرگی در میزان تجاری خود مواجه می باشد در بررسی تجارت خارجی توضیح دادیم مطلوب است . واز رایج ترین وعملی ترین اجراءات برای اعاده، توازن در موازین پرداخت ها موارد زیر می باشند :

الف - نظارت وکنترول بر واردات ، با مشخص کردن واردات ضروری وجلوگیری از وارد کردن برخی از کالاهای مشخص ووضع قیودی بر وارد کردن کالاهای دیگر ، چون مردم افغانستان که در سرزمین هجرت ویا در داخل افغانستان در طول سیزده سال جنگ بدون دستیابی به ضروریات زندگی بسر بردند قادرند بدون کالاهای کمالی وتجملی زندگی نمایند ، واکنون مهاجر افغانی به کمتر از سهمی که مهاجر یا پناهنده در جهان بدست می آورد زندگی می کند ، چون مهاجر افغانی بطور متوسط در سال ۷۵ دالر بدست می آورد ، در حالیکه پایین ترین حد سهم مهاجران در جهان ۲٤۰ دالر است ، (۱۱) ومردم افغانستان در داخل کشور شان که در شام آغاز جنگ در سال ۱۹۷۸م یکی از کمترین کشورهای جهان از لحاظ فرد از در آمد ملی بشمار می رفت ، در زیر خط فقر زندگی مینمایند ، ودر آمد فرد تا اواخر دهه، هفتاد از ۱٦۰ دالر تجاوز نکرد ، (۱۲) وطبیعتاً جنگ فقر مردم را مضاعف نموده است ، زیرا ارقام نه چندان موثقی نشان می دهند که سهم فرد از در آمد ملی در سال ۱۹۹۰م به ۱۵۰ دالر کاهش یافته است . (۱۳)

بنا ٌمردم افغانستان با سختی زندگی به کمترین اندازه، ممکن از نیازمندیها عادت کرده اند ، چیزی که جلوگیری کلی از وارد کردن اشیای کمالی وتجملی را فراهم می سازد ، زیرا ملتی که به نوشیدن چای سبز عادت کرده است در حالی که کشورش به بازسازی نیازمند است به نوشابه های گازی نیازی ندارد وهمچنان این امر زمینه، این را بوجود می آورد که واردات کالاهای ضروری به کالاهای اساسی مانند گندم وشکر تا تحقق خود کفایی از لحاظ تولیدات زراعتی بشکلی که در پایان بخش دوم این کتاب بیان نمودیم ، محدود گردد . وکالاهایی وجود دارند که برای حمایت تولیدات داخلی باید قیود گمرکی بر آنها وضع شود وبصورت عموم ویژه گی کلی ای که باید بر واردات حاکم باشد غیر از کالاهای غذای اساسی دوری جستن از وارد کردن سایر کالاهای استهلاکی وتوجیه واردات بسوی کالاهای تولیدی ومستلزمات مورد نیاز عمران وبازسازی.

ومبالغه نمی کنیم وقتی بگوییم نباید کمکهای که به شکل کالاهای استهلاکی تجملی داده می شوند پذیرفته شوند ، زیراکه این نوع کمکها در آینده سلوك استهلاکی یی در مردم افغانستان بوجود می آورند که تغییرش مشکل است ، بخصوص شوروی ها در طول سالهای جنگ - به اعتراف خودشان - فقط به دادن کمکهای قابل خوردن واستهلاك که منجر به توسعه، مستقل نمی گردد ادامه دادند ، از کبریت گرفته تا کاغذ پول افغانی که در اتحاد شوروی چاپ می شود.

وسرحدات طویل افغانستان (تقریباً ۵۷٦۹ کم با پاکستان ، و ۲۳۸۳ کم با اتحاد شوروی و ۸۵۰ کم با ایران و ۷۱ با چین) که به علت طول فراوان وصعب العبوری فرورفتگی وبرآمدگی های طبیعی وگسترش باندهای قاچاقچیان قبل وبعداز جنگ در این سرحدات نظارت وکنترول بر واردات را به مشکل مواجه خواهند کرد . ومبارزه با این مشکل هماهنگی با کشور های همسایه را ایجاب می کند.

ب - از سرگیری صادرات ، واین اساساً به وضعیت بخشهای مختلف تولید وحمل ونقل وبلند بردن کیفیت کالاهای صادراتی وکاهش مخارج تولید آنها به تناسب بازار جهانی وگشایش بازارهای جدیدی از طریق پیمانهای مبادلات دو طرفه وبازارهای مشترك ارتباط دارد.

وما در بررسی بخشهای تولید وحمل ونقل وترانسپورت آینده، توانائیهای صادراتی این بخشها را توضیح دادیم.

وافغانستان در سالهای بازسازی از همه بیشتر به افزایش صادرات بخاطر کسب ارز وتحقق بخشیدن به توازن با مقدار وارداتیکه در آن وقت طبعاً بسیار زیاد خواهد بود نیاز خواهد داشت ، وباید توازن بین افزایش صادرات وجلوگیری از خشکیدن منابع افغانستان بویژه منابع معدنی آن برقرار گردد . ودر افغانستان منابع زیادی برای صادرات وجود دارند که می شود بشکل وسیعی از آنها استفاده صورت گیرد ، در این مورد سفیر شوروی در افغانستان « ب . ن . پاستوخوف » در جون ۱۹۹۰م می گفت : « ... ما نمی توانیم بیشتر از بینی های خود را ببینیم ببینید ، چه کسانی بیشتر از هر طرف دیگر برای داخل شدن به افغانستان مجدانه تلاش می ورزند ؟ آیا آنان جاپانی ها یند ؟ ؟ کوههای افغانستان دارای عناصری اند که بدون آنها کارهای رادیو گرافی الکترونیکی انجام نمی پذیرد (رادیوم) ، وهمچنان ذخایر بزرگی از گاز وپترول وفلزات وجود دارند ... ودر منطقه بدخشان کوهی شوروی همسرحد افغانستان گوشت پیدا نمی شود وکارخانه های گوشت ٤۰ ٪ از نیرو خود را بکار می اندازند ودر آن طرف دریا (افغانستان) مردم نمیدانند که با گوسفندان چکار کنند ... ودر تاجکستان شوروی دو کارخانه گیاه های طبی قریب است که دروازه هایشان بسته شوند چون در آنجا مواد خام بدست نمی آید ، در حالی که قابل آن در افغانستان این گیاه ها (خشخاش) به فراوانی پیدا می شود » ، (۵۱) واین سخن غنای افغانستان را از لحاظ کالاهای صادراتی از مواد دارای اشعه گرفته تا خشخاش نشان می دهد ، همچنان اهتمام کشورهای صنعتی مانند جاپان واتحاد شوروی برای بدست آوردن این کالاها روشن می سازد ... کالاهای صادراتی به وفرت وبازارها باتعدد وجود دارند وآنچه مطلوب است تنها سرمایه گذاری در صادرات است.

همچنان در افغانستان کالاهای صادراتی قدیمی وجود دارند مانند قالین ومفروشات که به سبب جنگ صنعت آنها به ضعف گراییده وکیفیت آنها پائین آمده ومخارج آنها بلند رفته است ، احیاء فعالیت دوباره این کالاها به وسایل مناسبی مانند اعطای کمکهای صادراتی برای تولید کننده گان وتخفیف قیود - گمرکی بر آنها با امضای توافقات گمرکی با کشورهای دارای بازارهای بزرگ نیازمند است.

۲- جلب سرمایه های خارجی وداخلی ایکه به سبب این امر خواست استقرار امنیت در کشور وراه اندازی برنامه های سرمایه گذاری است.

۳- احیای سیاحت (توریزم) بصورتیکه با ارزشهای اسلامی مردم افغانستان منافات نداشته باشد وبه سطح سالهای قبل از جنگ باز گردانیده شود ، در آمد های سیاحت ۸٪ از کل در آمد های سال ۱۹۷۸/۷۷ را تشکیل داده است.

٤- شاید یکی از راه های علاج تورم جایگزین کردن پول جدید بجای پول سابقه (افغانی) باشد که جعل وتزویر آن بیمانه وسیع گسترش یافته وارزشش پایین آمده است . علاوه بر آن کالاهای قابل عرضه با افزایش تولید فزونی یابد.

۵- وامهای خارجی افغانستان که بیشتر آن مربوط به اتحاد شوروی می شود ضمن بحران وامها در جهان که به علت ناتوانی کشورهای بدهکار از پرداخت آنها بوجود آمده است داخل می گردد ویا آنکه رژیم کابل در فبروری ۱۹۸۹ امضای قرار دادی را اعلان کرد که به مقتضای آن وامهای افغانستان از اتحاد شوروی به مدت ده سال منجمد خواهند شد ، مگر آن بمعنای پایان مشکل این وامهانیست . چون اتحاد شوروی به کسر بزرگی در بودجه اش مواجه است که در سال ۱۹۸۹ بین ۱۱۰ - ۱۲۰ ملیارد روبل بالغ گردید یعنی معادل ۱٤٪ از تولیدات ملی آن (۱٦) وشورویها معتقد اند که در افغانستان منابع صادراتی وجود دارد که می تواند این وامها را بپردازد طوریکه سخنان سفیر شوروی در کابل بدان اشاره دارد که اندکی قبل آنرا ذکر نمودیم ، لذا ، درینجا بعضی از نقاطی را پیرامون تعامل با مشکل وامهای افغانستان در آینده می آوریم :

الف - توقف دادن هر نوع قرضه های جدید، وجستجوی بدیلهایی در عوض آنها مثل سرمایه گزاری ها وکمکهای بدون قید وشرط ، چون ناکامی قرضه های ربوی در رشد اقتصاد کشورهای روبه انکشاف به اثبات رسیده . ولی استغنا از طلب وام جز بعداز تصفیه اسباب پناه بردن به آن میسر نیست ، واین بنوبه، خود جز از طریق اتخاذ برنامه های ملی برای توسعه، خودی که زمینه های اقتصاد داخلی را باری رساند وانکشافات آنها را بویژه در زمینه غذایی بپوشاند وبه تدریج اتکا بر تمویل خارجی را تقلیل دهد . ودر این مورد می شود از تجربه، سودان بعداز انقلاب نجات در سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ استفاده کرد.

ب- پیوستن به مجموعه، کشورهای مدیون جهان سوم ، که از پرداخت مجموع اصول وامها وفواید مرتبه بر آنها سرباز زده و خواهان اسقاط همه وامهای کشورهای دارای کمترین رشد - وافغانستان طبعاً در پیشاپیش آنها قرار دارد - وبرخی از وامهای کشورهای دیگر جهان سوم می باشند.

ج - نظر به تفاوت وامهای افغانستان از وامهای کشورهای دیگر از لحاظ شرایط جنگ وتقاضای قرضه وامهایش مواقف دیگری اتخاذ نماید از جمله:

- سرباز زدن از پرداخت وامها زیرا که آنها به حکومت غیر قانونی نی داده شده که بواسطه نیروی خارجی بر اراده، ملت تحمیل گردیده است.

- مطالبه از وام دهنده، اساسی افغانستان که آن عبارت از اتحاد شوروی است تا خسارات جنگی را که در نتیجه، مداخلت ویرانگر آن در افغانستان بوجود آمده پردازد.

- وام دهنده، اساسی ، قرضه های داده شده در خدمت اهداف نظامی خود وتهیه، نیازهای لوجستیکی نیروهایش در جنگ بر ضد کشور دامنگیرند ونابودی مردم آن بشکلی که در این بررسی توضیح دادیم قرار داده است ، بنا براین این وام دهنده حق ندارد که وامهای خود را مطالبه نماید.

- وام دهنده، اساسی ثروت افغانستان - ودر رأس آنها گاز طبیعی - را به بهای بسیار کم وغیر عادلانه ربوده است . وفرق بین بهای بین المللی وبهای که گاز به آن به شوروی انتقال یافته است چندین برابر اصل وامها ی می گردد که برشانه اقتصاد افغانی گرانی مینماید ، واین به تنهای دلیل عادلانه است برای اسقاط تمامی وامها شوروی.

- مطالبه از دیگر کشورهای دارای قرض (وقرضه های آنها بسیار محدود، است) که از وامهای خود بخاطر سهمگیری در اعمار افغانستان تنازل نمایند ، یا علی الاقل از بهره این وامها که از قبل از آغاز جنگ در سال ۱۹۷۸ تراکم یافته اند درگذرند وپرداخت اصل وامها را با صادرات افغانی یا تبدیل این وامها را به سهامی در پروژه های سرمایه گزاری افغانستان بپذیرند.

مصادر وپاورقی های بخش هشتم :

۱- مصادر مورد استفاده ما در زمینه معلومات ویژه درباره توسعه، بشری عبارتند از :-

الف - گزارش از توسعه در جهان ۱۹۹۰م : فقر - بانك جهانی بری احداث وتعمیرات - چاپ اول : جون ۱۹۹۰م مرکز اهرام برای ، نشر، مؤسسه اهرام ، قاهره (ترجمه، عربی) .

ب- نحو استراتیجیة بدیلة للتنمیة الشاملة (بسوی استراتیژی بدیلی برای توسعه فراگیری) - دکتور علی خلیفه الکواری - مرکز مطالعات وحدت العربیة - چاپ دوم : بیروت - جون ۱۹۸٦م .

ج- مبادیء التخطیط الإقتصادی (مبادی برنامه ریزی اقتصاد) - دکتور حسین عمر - ذات السلاسل ، کویت - چاپ دوم ۱٤۰۷ هـ ق /۱۹۸٦م .

د- نحو منهج تنمیة اقتصاد ما بعد الحرب : الحالة الأفغانیة (بسوی متعدی برای توسعه اقتصاد بعداز جنگ : وضعیت افغانستان) - برنامه ی که از طرف دکتور عبدالحمید غزالی / استاد اقتصاد در دانشگاه قاهره به نخست وزیر حکومت مجاهدین استاد سیاف در ۱۹۸۹م تقدیم گردید

در زیر ذره بین

سردار صاحب!
راځه چی یوه کاوه دربانډی وځکم!

میداتیم که خان عبدالولی خان رهبر نشنل عوامی پارتی و خانواده اش سالها مهمان دولت های ظاهرشاه و داودخان بودند. خان عبدالغفار خان درهنگام تبعید خود خواسته اش سالها در افغانستان اقامت داشت و مارشال شاه ولی خان پدر سردارولی از دوستان نزدیك وی بشمار می رفت و همینگونه بودند سایر رهبران ملی گرای پاکستان از جمله اجمل ختك... وقتی سردار ولی به پاکستان سفر کرد باید ولی خان به پاس محبت های قدیم که از آن خانواده دیده بود کمر به استقبال از وی می بست اما چنین نکرد بلکه به بهانهء مصروفیت زیاد از دیدار با وی اباء ورزید وحتی برای حفظ ظاهر هم به سردارولیء نگفت: (راځه چه یوه کاوه دربانډی وځکم)!!

شاید یك دلیل این رویه ولی خان آن باشد که وی بعد از سرنگونی ظاهرشاه با داودخان و پس از وی از با کمونیست ها از تره کی تا نجیب رابطهء بسیار نزدیك و گرم داشت و اکنون بعلت انفعال از گذشته مجبوراست با نماینده ظاهرشاه مقابل نشود و یا اینکه وی میداند که این پلان دولت پاکستان درمورد افغانستان نیز محکوم به شکست است وبه این علت ولی خان بعنوان یك سیاستمدار کار کشته نخواست با دیدار با سردارولی این تصور را بوجود آورد که با این اقدام دولتمردان پاکستان همنوائی دارد و در آینده شریك جرم آنان بشمار آید.فقط با اعزام نماینده یی به سردار ولی و اعلام جانبداری مبهم از به اصطلاح طرح سردار ولی اکتفا کرد

لنډه کیسه

ژوره څاه

لوړ مازیگر و، لمر خپلی طلائی او ژړینی وړانگی دشنو او سمسورو باغونو دگڼوونو له منځه او د لویو برجو او کلاگانو او انگړونو څخه ورو، ورو راټولولی، دمازدیگر سیوررو په ډیری بیړی او چټکی سره هغه کوله چی دلمر دزرینو پلوشو ځای دوی ونیسی.

دقره باغ دگڼو باغونو دونو په څانگوکی دالوتونکو گڼه گونه او شور ماشور همغسی موجود وو خو په دی توپیر چی دهغوی دزړه وړونکو سازونو خوږی نغمی چی دسړی روح ته به یی طراوت او تازگی بخښله اوس دویر او ماتم هغو سوو ساندونه ورته وو کومی چی دپرهارژلو زړونو په وینو سره ټپونه چیړی او دردونه یی لازیاتوی.

په همدغه مازدیگر مرجانه سترړی ستومانه چی کری ورځ یی په انگور چینی او دهغوی په راوړلو تیره کړی وه دخپلی لوی کلا دژوری څاه په غاړه ودریده خو دمابنامی لپاره خواړه تیار کاندی.

کله یی چی بوکی (سلواغی) ته لاس کړ بدن یی یوه ژوره ستومانی حس کړه او دهغی ژوری څاه څخه یی د اوبو دایستلو توان په خپلو سترړو مټوکی و نه لیده او د دردیدلی زړه له ژور تل څخه یی دیوی درنی اندیښنی څپه را پورته شوه او دهغی ستومانه بدن په پړسیدلو رگونو یی داسی اغیزه وکړه چی ته به وایی ټول بدن یی د اور په سره سکرو ته بدل شو وجود یی میږی، میږی شو او دزړه درزایی څو چنده زیاته شوه.

په زړه کی یی وگرځیده چی پلارته غږ وکړی خو بیرته پښیمانه شوه او پوهیده چی پلار یی تر دی ډیر ستومانه دی. دالس ورځی چی مرجانه دهغی مور او سپین ږیری پلار یی دغوربند له غرونو څخه دانگورو دټولولو په مقصد په قره باغ کی خپلی کلاته راغلی وه په پرله پسی توگه یی کارکړی و دچا خبره چی دبدن نعیمه یی ختمه شوی وه، هغه څو شیبی دڅاه په غاړه کیناسته او دتیرو یادونو په ژورو خیالونوکی ډوبه شوه. هغی ته هغه وخت وریه یاد شوچی دکلا همځولو نجونو به هر مازیگر دهمدغی ژوری څاه په غاړه ددی دځورولو په مقصد ټوکو ټوکو دڅاه غاړی ته ورتیل وهله. خو هغه به له دی څاه څخه زیاته ویریده مقاومت به یی کاوه او نودی په نه ورتلله.

هغی ته دخپل بختور او نیکمرغه ژوند خاطری یوه په بله پسی وریه زړه شوی او دخالی کلا په غولی او کونجونویی یو ځغلند نظر وکړ هغه کلا چی د دوی دشپږویشت کسیزی کورنی له نارینه، ښځو او ماشومانو څخه به ډکه وه او دمازدیگر په مهال به یی یو زوږ خوت اوس یی کسه شوی او دانزوا په بشپړه چوپتیاکی ډوبه وه، له خپل ځان او کورنی یی په کلا زیات زړه سوځیده او له یوه اوږده اسویلی سره یی له خولی وختل چی:

«چی خیردی وی دا کلا به پیا پر موږ ډکه شی او له دی سره جوخت یی دیوی ژوندی هیلی نری موسکا په شونډو وغوړیده»

هغه خوږی ورځی وریه یادشوی چی کلیوال او دپلار دوستان به یی دهغی دغوښتلو په نیت په پرله پسی توگه راتلل خو پلار به یی ورته ویل چی: «مرجانه لا وړه جلی ده دهغی د واده لپاره ډیر وخت شته بله داچی دا زما یوازینی لور ده له خپلی کلا څخه یی نه باسم» یوه ورځ چی دهغی د پلار یو ډیر نږدی دوست له فرزی څخه راغلی و ددی پلارته یی په دوړی لاس ونیو او ورته یی وویل چی: «داخبره هیڅ سرتلری چی مرجانه زما زوی هادی جان ته رانه کړی» پلار یی له مجبوریته ځواب ورکړ چی:

«ساده کیږه مه، ما به سل ځله مرجانه ستازوی لپاره درکړی وه خو هغه می وختی خپل وراره آدم خان ته په نامه کړی ده»

ددی خبری په اوریدو یی دکاکا لوڼو بیا وختی په مرجانی زیری کړی و چی:

«مرجانی! ستا ارمان پوره شو او ته نوره زموږ دورو آدم خان کوژده یی» ددی خبری په اوریدو سره هغی ته ټوله شپه له خوشحالی خوب نه و ورغلی.

له دی خاطری سره سم مرجانی دخیال نیلی په غوربند کی دجهاد دسنگرونو ته ولاړ او هلته یی دلوړو ځیږو پر خوتر شاپه ټرلو مورچوکی خپل وروڼه او دژوند یوازینی ملگری آدم خان هر یو بیل تر نظر تیر کړل خو په دی لیدنه او کتنه کی دهغی تیز او ځلند نظر تت سکاریده ځکه چی دتیری هفتی تودی جگړی او دروسانو بی رحمانه بمباریو چی دغوربند د ولسوالی په جهادی مرکزونویی سرته رسولی وی دهغی په زړه کی بیل، بیل شکونه پیدا کړی وو او له همدی کبله دهغی زړه سره غوټه وخو دخپلی مور او پلار په مخ کی به یی خپل پټ خپگان نه ښکاره کاوه او دا هر څه به یی یوازی په خپله ستره زغمل نه پوهیده چی که آدم خان سره به ددی دمینی غوټی گل شی او که دهیواد د ډیرو نوروو مینانو په شان به ددوی مینه هم دسره خزان دبی رحمه سیلی پواسطه پانی، پانی او ورژیږی.

مرجانی په خپلو سترړو او ستومانو مټو او تنکیو لاسو په ډیری سختی سره یو دوه بوکی اوبه له څاه څخه راویستی او مخکی له دی چی دخپل پخلنځی په لور روانه شی، څه یی په زړه کی وگرځیدل لږ څه ټکنی غونډی شوه، بیرته راوگرځیده او په یو ځل بیایی دژوری څاه دکتلو په نیت خپل سر دڅاغاړی ته ور وړاندی کړ. گڼ او تاندوښتان یی په مخ راخواره شول او دتورو گورو څنو په منځ کی یی سپینه بڼه دژوری څاه دتل په رڼو اوبوکی وځلیده سره وبوږ نیده په چټکی سره په شاشوه په داسی حال کی چی یوی پټی او دردونکی ویری یی په زړه کی ځای ونیو په گړندیو قدمونو دخپل پخلنځی کوټی ته ولاړه.

دمرجانی پلار رد اوداسه له تازه کولو وروسته په بالاخانه کی دلمانځه په مصله کیناست خپلی گړی ته یی وکتل دلمانځه لپاره لاڅه وخت پاتی ونو ځکه یی خپلی تسپی له جیبه راویستی او دخپل لوی خدای (ج) په ذکر یی پیل وکړ.

دقرباغ په کلیو کی څوك نه وو پاتی په دغو کلیو او باغونو یو غمجن سکوت مسلط شوی و کله کله به یو نیم سپین ږیری او یه کومه دپاخه عمر ښځه دکومی کلا ترمنځ ښکاره شول چی هغوی هم دمرجانی دوی په شان دانگور چینی او دهغوی د راټولولو او ځای په ځای کولو په مقصد کلی ته راغلی وو.

دمازدیگر لمر به په غرورچی ناڅاپه ددوی دکلا په چارچاپیره سره روسی عسکر راتاو شول، په ډیره وحشیانه او هیبتناکه توگه یی دروازه ودربوله خو دروازه دننه څخه خورا ټینگه شوی وه له دروازی څخه پرته کلا ته دننوتو بله هیڅ لارنه وه، روسانو دشغالانو په شان آوازونه پورته کول خو څوك یی په مفهوم نپوهیدل چی بله چاره یی بیدانه کړه نو دروازه یی په بم والوزوله ځکه هغه دومره کلکه جوړه شوی وه چی هغوی یی دماتولو وس نه درلود په څو شیبوکی کلا دروسانو په سره ناتار بدله شوه دلیوانو په شان دمرجانی تر مور چاپیر شول او په لوړو ډارونکو آوازونو یی تری پوښتنی کولی خو هغه نه پوهیده چی څه ووایی یوازی په یوه دوه لغظونو و پوهیده چی ویل یی: «پول کجاست؟ برای ما طلا لازم»

چا به دکله شینکوف په کنداغ ووهله او بل به بیاد ټوپك شپیلی ورته سمه کړه په خپلو منځوکی به بی کتړ، کتړ وخندل هغه خوارکی دخزان وهلی پاڼی په شان ټوله سره رپیدله نپوهیده چی له دغو وږیو لیوانو څخه څرنگه ځان خلاص کړی هوش او فکریی ورڅخه الوتی و ورڅخه خلاصیدی هم نه شوه په دی وخت کی یوه دټوپك شپیلی را سمه کړه او ماشه یی کش کړه له یوی ضربی سره هغه په ځمکه ولویده او سرو وینو کی ډوبه شوه.

دمرجانی پلار هم له ډیرو وهلو څخه په ځمکه بی هوشه پروت و وینی پری روانی وی درنگ ساعت له بالاخانه له وینو دنده شوه.

سرو گوره عسکرو دکلا ټولی کوټی ولټولی بیا دکلا انگړته را ښکته شول دکلا انگړ او غولی یی هم وپلټلو له دی وروسته دڅاه غاړی ته ورغلل او دڅاه په غاړه یی یوه جوړه شکلی نارنجی چپلك ترسترگو شول یوه یی نوروته ورغږ کړ او بیایی هغه چپلك را واخیستل او په روسی ژبه یی هغوی ته څه وویل بیا ټولو په گډه وخندل یو سپاهی څاه ته سر وربنکاره کړ بیرته راپه شاشو او دخپل پوځی جمپر له جیب څخه یی لاسی څراغ راویوست او څاه ته یی رڼا کړ له دی سره سم یی ښکته ژوری څاه ته دوه دری ځله ورناری کړی بیرته راپورته شو او دخپلو پوځی بوټوتو په ایستلو یی پیل وکړ ده لا د بوټونو مزی نه وو خلاص کړی چی نورو پوځیانو په قهر جنه لهجه څه ورته وویل. دبوټونو مزی یی بیرته وتړل راپورته شو او دنورو سپاهیانو سره یو ځای دڅاه له غاړی څخه لږ څه هغی خواته ودریده او بیایی څاه ته په پرله پسی توگه دوه لاسی بمونه ورغوځار کړل له یوه هیبتناك آواز سره سم دژوری څاه له تل څخه لمدی ختی او شگی دمرجانی له غوښو او هډوکو سره یو ځای را پورته شوی چی څه بیرته په څاه کی ولویدلی او څه یی دڅاه په غاړه، له دی سره سم دلمر زرینو پلوشو خپلی خوری وری وزری دکلا له غولی راټولی کری او ورو ورو دمابنام تیاره پری خوره شوه.

سخنی با مؤسس و صاحب امتیاز نشریهء ارمان

آقای سید اسحق گیلانی از جملهء شخصیت های جهادی اند که در طول دوران جهاد با وجود وابستگی، تنظیمی استقلال فکری را حفظ کرده بودند. پس از سرنگونی رژیم نجیب در ترکیب اداره ئی بریاست آقای مجددی عازم کابل شدند جنگ های تحمیلی آقای حکمتیار که شرایط ناگواری را بر کابل تحمیل کرد موجب شد که آقای سیداسحق گیلانی نیز کابل را ترك گویند و مجدداً به پشاور برگردند. ایشان پس از مدتی جریدهء بنام ارمان را در پشاور اساس نهادند.

با توجه به شخصیت آقای گیلانی انتظار این بود که نشریهء ارمان واقعاً یك جریدهء آزاد و متعهد به آرمانهای جهاد بوده و منعکس کنندهء درد های ملت مصیبت دیده ما باشد که متاسفانه این امید از همان آغاز نشرات این نشریه به یأس مبدل گشت.

تعدادی از کمونیست های شناخته شده که تا دیروز قلم های شان در خدمت رژیم نجیب و توجیه جنایات آنان و به کوبیدن مجاهدان اختصاص داشت این بار جریدهء ارمان را سنگر خود برای کوبیدن مجاهدان قرار دادند همان مجاهدینی که اتحاد شوروی را نابود کردند و جهان را از سیطرهء استعمار سرخ رهائی بخشیدند.

آیا درین جهاد از آقای اسحق گیلانی کسی به شهادت نرسیده است؟ کسی بدست دژخیمان کمونیست شکنجه نشده و به زندان نرفته است؟ آقای سیداسحق گیلانی باید به این واقعیت متوجه باشند که آنچه که ایشان امروز دارند از خیرات و ثمرات جهاد است حاصل دورانی است که در کنار مجاهدین بودندو این عزت را جهاد و مجاهدین به ایشان بخشیده است. همان مجاهدینی که شب ها و روز ها را پیاده طی طریق می کردند. پاهای برهنهء آنان رنج سنگ های کوه و خارهای بیابان را به این شوق تحمل می کردند که به پشاور بیایند و تفنگی بدست آورند تا بوسیلهء آن از حریم مقدس وطن دفاع کنند. اینها بودند که طلسم استعمار را در هم شکستند و به قیمت خون های پاك خویش دفتر سیاه کمونیزم و مزدوران خلقی و پرچمی آنانرا بستند. امروز از طریق نشریهء ارمان به خونهای پاك آن شهدا توهین میشود آنهم بوسیلهء چه کسانی؟ بوسیلهء کمونیست های ورشکسته ئی که با نابودی اتحاد شوروی بی پدر شده اند و از روی ناچاری فریاد دیموکراسی خواهی و دفاع از لیبرالیزم را سرداده اند!

در درگیری هائی که پس از سرنگونی رژیم نجیب بوجود آمد نقش کمونیست ها برجسته و نمایان است همانگونه که نقش مداخله گران خارجی هویداست. اشتباه مجاهدین این بود که از همان ابتدا نتوانستند دشمنان خود را (اصلی و فرعی) نمایند. آنها دشمنان اصلی خود یعنی کمونیست ها را مورد عفو قرار دادند به این گمان که شاید آنها پس از آنهمه جنایت در برابر ملت واقعاً از کردهء خود پشیمان اند در حالیکه عملاً می بینیم که چنین نیست. آنها فقط مترصد فرصت اند تا جنایات گذشته را از سرگیرند و برای ضربه زدن به جهاد هیچ فرصتی را از دست نمیدهند. این عناصر باید بدانند که ملت هرگز آنان را و خاطرهء جنایات آنانرا از یاد نمی برد. آنها در هر کجائی که باشند از لهیب خشم ملت مسلمان ما در امان نخواهند بود و بایکایك آنان محاسبه خواهد شد.

مجاهدین با هم برادراند. میان برادران گاهی اختلافی پدید می آید ولی این شرط انصاف نیست که مجاهدی برای کوبیدن برادر مجاهد خود و دادن فحش و ناسزا به وی کمونیست های جنایت پیشه را استخدام نماید و به آنان فرصت دهد تا جهاد و ارزشهای جهاد را به باد تمسخر گیرند. آنهایی که رژیم کمونیستی نجیب را (جمهوری افغانستان) میخواندند امروز دولت اسلامی را (ادارهء کابل) میخوانند.

آیا میتوان از یاد برد که در دوران حاکمیت همین کمونیست ها هزاران نفر از استادان و محصلین پوهنتون، و متعلمین مکاتب، مامورین دولت روشنفکران... فقط به این جرم کشته شدند که (گمان) مخالفت آنان با رژیم می رفت؟ گمان آن می رفت که با (مداخلهء انترناسیونالیستی اتحاد شوروی کبیر)!! در افغانستان مخالف اند. شبکه جاسوسی اکسا، کام و خاد کوچکترین نشانهء اعتراض را ثبت می نمود و متعرض را به کیفر اعتراض مجازات میکرد. استاد سرآهنگ در محفلی رباعی ئی از بیدل خوانده بود که فرد اول آن چنین است:

آثار بنای خلق بردوش خطاست
زین خانه به جز کجی نمی آید راست

کمونیست ها او را از ستیژ پائین آوردند و به زندان بردند و تا ثابت نکرد که این رباعی از بیدل است و صد ها سال قبل از تاسیس حزب دیموکراتیك خلق سروده شده است رهایش نکردند و آنهم بعد از گرفتن این تعهد از وی که دیگر اشعاری که از آن بوی مخالفت با نظام به مشام برسد نخواند!

آنها چنین کردند... آنها بیش از یك و نیم ملیون انسان را کشتند هزاران نفر را زنده بگور نمودند... فریاد ها را بزور برچه در گلو ها خفه کردند ولی برادران ما چه می کنند؟ بلند گو در اختیار همان جانیان و فرومایگان می گذارند تا هم به خون های شهدای ما و آرمانهای جهاد ما توهین کنند و هم به ریش کمك دهند، بخندند آیا این نشانهء چیزی بیشتر از فراموشکاری یا اغماض از جانب ما نیست؟!!!

● تعدادی از کمونیست های شناخته شده که تا دیروز قلم های شان در خدمت رژیم نجیب و توجیه جنایات آنان و به کوبیدن مجاهدان اختصاص داشت این بار جریدهء ارمان را سنگر خود برای کوبیدن مجاهدان قرار دادند همان مجاهدینی که اتحاد شوروی را نابود کردند و جهان را از سیطرهء استعمار سرخ رهائی بخشیدند.

● آقای سیداسحق گیلانی باید به این واقعیت متوجه باشند که آنچه که ایشان امروز دارند از خیرات و ثمرات جهاد است حاصل دورانی است که در کنار مجاهدین بودندو این عزت را جهاد و مجاهدین به ایشان بخشیده است.

دکمونستانو دسولی غورځنگ!! او دسردار له هځو ملاتړ

ننی افغانستان پرونی افغانستان ندی، دمجاهدینو دجهاد او مقاومت سره نه یواځې داچی دنړی په جغرافیه کی تحول او بدلون راغی بلکی په ملی سطح دافغانستان په ټولنه کی نوی حالات او بدلونونه را مینځته شول.

مجاهدینو دافغانستان ازادی، خپلواکی او استقلالیت دخپلو ککریو په بیه او دیرله پسی مبارزاتو په نتیجه کی ترلاسه کړ کوم چی پخوانیو نظامونو او کمونستانو په پردیو سپارلی و، مجاهدینو دوینی او وسپنی دمقاومت له لاری دا ملك وګټه او کمونستان یی له ماتی سره مخامخ او دنابودی کندی ته وسپارل، روسی پوځیان یی پداسی حال کی تیښتی ته اړ کړل چی نور نو د نړی پرمخ دشوروی اتحاد تر نامه لاندی دجهاد له فیض او برکته کوم هیواد نه ؤ پاتی او دنوم سره یی د «پخوانی» پسوند ورزیات شوی او ضروری ؤ.

دمجاهدینو د دولت ټینګیدو سره ددغه نوپایه او نوی تشکیل شوی نظام په وړاندی چی دکمونستی رژیم نه یو زوړ او مات کالبد ورپاتی ؤ او هر څه کمونستانو دځوارلس کلن رژیم په اوږدو کی تالا او لوټ کړی ؤ بهرنی توطیی د کورنیو دښمنانو لخوا ورڅارو شوی، دمجاهدینو نوی تشکیل او جوړ شوی دولت ددی په ځای چی دافغانستان د دردیدلی ولس د اوږدی او ورانونکی جګړی او بهرنی تیری او تجاوز د ټپونو په لیری، کولو او دورانی په آبادولو بوخت شی دیوی توطیی په لړ کی پر دولت جګړی و تپل شوی. او دجګړو یوه اوږده لړی په همدی شکل دهمدغو دسایسو په لړ کی یوه په بله پسی پر دولت پیل شوی، دولت ددغو جګړو په وړاندی په پوره میړانه او قاطعیت مقاومت وکړچی هره یوه یی پخپل وخت او زمان کی شنډه او خنثی کړه.

دسیاسی مبصرینو دتحلیل په اساس دولت ټولو لوروته ښکاره کړله چی هیڅ ډول پوځی ائتلاف او جبهه به پدی ونه توانیږی تر څو دولت ضعیف او له پښو وغورځوی پدی اړه د تیر نوی عیسوی کال دلمړی ورځی کودتا او دطالبانو تر نامه او پوښښ لاندی دجریان پوځی ناکامی جوتی او ښکاره دی چی ډیر وضاحت او عیانولو ته څه ضرورت نلری.

دافغانستان اسلامی دولت پر خلاف چی کله پوځی هڅی او ائتلافونه ناکامه شول نو بهرنیو حلقو هڅه وکړه تر څو په سیاسی جبهه کی دافغانستان اسلامی دولت له ستونزو او کړکیچونو سره مخ کړی البته پدی برخه کی زمونږ ځینی نژدی او دوست هیوادونه چی هغوی کولای شوای په ډیر اغیزمن شکل سره زمونږ دهیواد دروان کړکیچین او دردونکی حالت دپای په برخه کی پوره برخه واخلی او دافغانانو له دردونو نه چی پوره یوه نیمه لسیزه ی کیږی چی دجګړی او تباهی په یوه ورانونکی اورکی سوزی څه موثر کردار ترسره کړی خو متأسفانه داسی ونه شول.

> که هر څومره دشاه زوړم هڅی وکړی او کمونستان دسولی دغورځنګ او دسولی دجبهې او ... تر نامه او پوښښ لاندی تری ملاتړ وکړی دا به هیڅ ځای و نه نیسی ځکه ملت ټول پیژندلی دی ننی افغانستان پرونی افغانستان ندی، شاهی کورنی او کمونستان باید دی ټکی ته جدی توجه وکړی.

زمونږ دغه دوستانو ددی پرځای چی دخپلو موثرو اقداماتو له لاری دستونزی په حل کی لاس را اوږد کړی وای لګیا دی زمونږ دهیواد لپاره د داسی یوه کالبد پر سر ناست دی او د دوباره ژوندی کیدو هڅی کوی چی دامکان نه لری او وتلی خبره ده.

خو یوه خبره چی هغه دیا دولو وړده هغه داده چی ددغه کالبد (ظاهرشاهی نظام) د بیا را برسیره کیدو هڅو سره کمونستان ډیر خوشبین او متحرك شویدی، دمخلوع شاه د زوم هرکلی ته دګڼو کمونستانو ورتګ او په غونډو کی ددوی ګډون او په هغو نشریو کی چی کمونستان ځای پرځای شویدی دغه سفر ته ډیر اهمیت ورکول او دتبلیغاتی میدیا له لاری له موجودیت نه زیات ارزښت ورکول ددغی خبری ښکاره دلیل دی چی کمونستان بیا پردی هیله دی چی دساده شاه له راتلو سره به خود په خوده ددوی تر خاورو لاندی شوی جریان لپاره به هم لکه دخپل پخوانی حاکمیت په شان مخلوع شاه دوی ته زمینه مساعدوی او لکه دایوه نیمه لسیزه یی چی افغانستان له کومی تباهی سره مخ کړ یو ځل بیابه دا فاجعه تکرار کړی تردی حده چی کمونستان ددغه سفر دتائید او ملاتړ په ترڅ کی چی د سولی دغورځنګ!! په نامه دکمونستانو او جنایتکارانو مجموعی دخپل ملاتړ دلیك په ترڅ کی ددی ټکی یادونه کړی چی ګواکی دوی کمونستان نه وو بلکی غوښتل یی دافغانستان پرمختګ!! او پیشرفت!! لپاره څه رول ولوبوی خو دافغانستان خلکوته معلوم ده چی دغو کمونستانو او د مخلوع شاه نظام دافغانستان د اوسنی وضع اساسی عاملین دی که اوس هم څومره ګلاب زوی، تنی، او ... د دوی په شان نور کمونستان دا چغی ووهی چی دوی کمونستان ندی او دیوه نامه او بل نامه او پوښښ لاندی له دغه او هغه حرکت او جریان نه خپل ملاتړ اعلان کړی دابه هیڅ ځای ونه نیسی ځکه دافغانستان خلکو کمونستان ښه پیژندلی دی که دوی په هر شکل او جامه کی ځان پټ کړی نور به په افغانی ټولنه کی هیڅ ډول رول ونلری.

دشاه نظام له دوی سره په سرنوشت کی شامل دی ځکه د اوسنی بدبختی او بهرنی یرغل یو عامل دظاهر نظام دی چی پخپل دور کی دکمونستانو روزلو ته غیږ پرانیستی وه او افغانستان یی اوسنی تباهی سره مخ کړ.

فلهذا که هر څومره دشاه زوم هڅی وکړی او کمونستان دسولی دغورځنګ او دسولی دجبهې او ... تر نامه او پوښښ لاندی تری ملاتړ وکړی دا به هیڅ ځای و نه نیسی ځکه ملت ټول پیژندلی دی ننی افغانستان پرونی افغانستان ندی، شاهی کورنی او کمونستان باید دی ټکی ته جدی توجه وکړی.

انعکاس سفر سردارولی در مطبوعات پاکستان

سفر سردار ولی داماد پادشاه مخلوع افغانستان به پاکستان و استقبال رسمی وی در مطبوعات پاکستان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نویسندگان واقع بین و دور اندیش این کشور از این اقدام حکومت پاکستان زبان به انتقاد کشودند بعضی از این نویسندگان سیاست جدید پاکستان را در قبال مسئلهء افغانستان ناش از ایما و اشارهء امریکا قلمداد نموده و از حرف شنوی بی چون و چرای کشور شان از امریکا شکوه سردادند.

سید ضمیر جعفری شاعر و نویسندهء مشهور در مقاله ئی که در شماره ٦ جنوری ۱۹۹۵ در روزنامه خبرین به نشر رسید می نویسد:

ما در داخل آنقدر درگیر کشمکش هستیم که یا فرصت پرداختن به مسایل خارجی را نداریم و یا به این مسایل با دیدگاه یك فرد عامی برخورد می کنیم... نویسنده درین مقاله به سیاست چین در قبال فشار های امریکا با نگاه تحسین آمیز می نگرهو آنرا سیاست مبتنی بر آزادی عمل یك کشور آزاد و مستقل می خواند با این مقایسه آمیخته با افسوس که چرا کشور ما بخاطر بدست آوردن طیارات (اف ۱٦) و یا حد اقل پس گرفتن پول آن خود را گروگان امریکا ساخته است.

در قسمت دیگر از این مقاله نویسنده به سفر سردارولی به پاکستان اشاره می کند و می نویسد:

... ظاهرشاه پادشاه مخلوع افغانستان سالهای طولانی را در ایتالیا به زندگی آرام و بدور از دغدغهء خاطر بسر برد و زمانیکه ملت افغان درگیر نبرد با تجاوز گران روس بود وی انگشت در گوش های خود فرو برده و خاموشی پیشه کرده بود. وقتی افغانها از چنگ روس نجات یافتند و کشمکش هائی میان جناح های مختلف آغاز شد ودیگ غیرت اعلیحضرت بجوش آمد . برای بررسی اوضاع داماد خود را فرستاد. سردارولی نیز جنرال است ولی وقتی لشکر تحت فرمان شاه نباشد چنین جنرالی چه کاره خواهد بود؟ وی میخواهد اوضاع افغانستان را از پشاور و کویته مورد بررسی قرار دهد! چرا وی از لندی کوتل جلو تر رفته نمی تواند؟ من نمیدانم که دربارهء سفر سردارولی خود ظاهرشاه بدست خود نامه نوشت یا توسط شخص دیگری این مرقومه را تحریر نمود که جنرال ولی می آید.

جواب ما به این درخواست باید این می بود که همانگونه که دیگران می آیند او نیز میتواند ویزه بگیرد و بیاید اما ما از فرط اشتیاق از این حد جلو تر رفتیم و مږده سردادیم که اهلاً و سهلاً! او بعنوان مهمان رسمی حکومت پاکستان میتواند تشریف بیاورد و اگر او بیاید ما ایشان را بروی چشمهای خود خواهیم نشاند! ومحترمه بینظیر بوتو به وی خیر مقدم گفت!

نتیجهء این میزبانی ما آن شد که از استاد برهان الدین ربانی و حکمتیار و دوستم گرفته تا آخرین طالب العلم همهء رهبران از ما آزرده خاطر شدند که ما چرا نمایندهء پادشاه مخلوع را دعوت کردیم. اکنون باید دید که جناب سردار آصف علی وزیر خارجه، فیلسوف ما این مشکل را چگونه حل خواهد کرد؟!!

روزنامهء وحدت در شماره ۱۱ جولای خود تبصره ئی تحت عنوان (نهضت اسلامی بسوی ظاهرشاه دست دراز خواهد کرد یا بسوی استاد ربانی) می نویسد:

در حالیکه دولت افغانستان بخاطر سفر سردارولی به پاکستان به این کشور احتجاج نموده است بعضی از جناحهای مخالف دولت افغانستان از این اقدام استقبال نموده اند اما حزب اسلامی حکمتیار در رابطه با سفر نمایندهء ظاهرشاه به پاکستان سکوت اختیار نموده است در عین حال عده ئی از رهبران سیاسی پاکستان چون قاضی حسین احمد، جنرال حمیدگل و مولانا سمیع الحق نیز خاموش اند واین خاموشی این سوال را بوجود می آورد که این رهبران که در هر فرصتی در رابطه با قضایای افغانستان اظهار نظر می کردند چرا خاموش اند آیا این خاموشی دلیل رضائیت آنهانیست؟

> حزب اسلامی حکمتیار در رابطه با سفر نمایندهء ظاهرشاه به پاکستان سکوت اختیار نموده است در عین حال عده ئی از رهبران سیاسی پاکستان چون قاضی حسین احمد، جنرال حمیدگل و مولانا سمیع الحق نیز خاموش اند واین خاموشی این سوال را بوجود می آورد که این رهبران که در هر فرصتی در رابطه با قضایای افغانستان اظهار نظر می کردند چرا خاموش اند آیا این خاموشی دلیل رضائیت آنهانیست؟

از طرف دیگر از سفر سردار ولی به پاکستان یك هفته گذشت بدون اینکه در طول این مدت پیشرفتی در مذاکرات وی دیده شده باشد تاکنون هیچکدام از رهبران مهم افغان باوی تماس مستقیم نگرفته است تا زمانیکه او با چنین رهبران مذاکره ننماید اثری بر تحولات سیاسی افغانستان از این سفر متصور نیست.

فرق میان ماموریت مستیری و سردارولی درین است که مستیری خود نزد رهبران می رفت ولی سردارولی درجای خود نشسته است و مردم نزد وی میروند و حالا اگر هر یك از رهبران مهم با وی رابطه بگیرد این کار وی به این معنی خواهد بود که او نسبت به استادربانی ظاهرشاه را بهتر می داند و بعضی از این رهبران از این هراس دارند که با تماس با نمایندهء ظاهرشاه موقف سیاسی آنان شدیداً مواجه به خطر خواهد شد زیرا این رهبران مبارزهء خویش را علیه خاندان شاهی آغاز کردند و نهضت اسلامی نیز علیه حاکمیت ظاهرشاه اساس گذاشته شد و استاد ربانی هم وابسته به همین نهضت بود.

اکنون موقع آنست که اعضای نهضت تصمیم بگیرند که یا جانب استاد ربانی را بگیرند و یا دست در دست دشمن قدیم خود ظاهرشاه بدهند به عقیدهء مبصرین اگر حزب اسلامی با ظاهرشاه دست بدست هم دهند سلسلهء جدیدی از جنگها در افغانستان شروع خواهد شد ولی اگر این قوت ها بجای ظاهرشاه با رئیس جمهور ربانی یکجا شوند صلح به افغانستان باز خواهد گشت.

اسلام، تعدد ازدواج و طلاق

آیا با تجویز تعدد ازدواج و طلاق دراسلام به زن اهانت شده است؟

نوشته: محمدالغزالی دانشمند مصری

در رابطه با تعدد ازدواج این سوال پیش می آید که آیا تنها اسلام بانی «تعدد ازدواج» بوده است؟ درحالیکه همه، ادیان شرکی و یا سماوی تعدد ازدواج را روا میدانسته اند، پس چرا صرف اسلام زیر سؤال قرا گرفته و مورد تاخت و تازقرار میگیرد؟!

در زمانهای گذشته نسبت بتعدد ازدواج کدام مانعی وجود نداشته، و تنها حضرت سلیمان - علیه السلام صاحب یکهزار زن و کنیز در بارگاهش بوده است.

اناجیلی را که شاگردان عیسی علیه السلام - نوشته اند هیچگونه محدودیتی در رابطه با «تعدد ازدواج» در آنها دیده نمی شود، و تحریمی که بعد از آن در زمینه صورت پذیرفته، تحریم مدنی و یا کلیسائیست که بر اساس اجتهاد شخص صورت گرفته نه بأساس نص مکتوب وشاید بگویند: چون اسلام نسبت بهمه ادیان دیگر آئین شامل و فراگیر ستباید «تعدد ازدواج» را تحریم میکرد!

من باید درینجا سئوال دیگری را مطرح کنم. و آن اینکه آیا در جوامع غربی مردها بیك زن اکتفا نموده اند تا با زن دیگری رابطه و پیوندی برقرار نساخته باشند؟

بلکه از مردمی که در قاره های مختلف در زیر سایه، تمدن غرب زندگی دارند می پرسم، آیا با زنان بیگانه بصورت قطعی و یا همیشگی رابطه، نداشته اند؟

پس چرا تلاش بخاطر داشتن روابط نامشروع با زنان دیگر صورت میگیرد؟ و چرا فرزندان نا مشروعی در هر گوشه و کنار و کُباره ها با ذلت و تحقیر نشأت نموده و به پدران اصلی شان منسوب نمی گردند؟

من برادران اهل کتابمان را بسبب آنکه به معیار های حلال و حرام ارزشی قائل نگشتند متهم میکنم، چون آنها در پیروی از هوی و هوس و خواهشات نفسانی شان از تعالیم الهی تخطی نموده و در امور جنسی ناموس و شرف را لگد مال نموده اند. و بدینگونه زنانرا مورد تجاوز قرار داده و زمینه را برای انحرافات جنسی و منکرات به پیمانه، وسیعی مساعد ساختند. که باین حد گرفتار شدن در منجلاب «شهوترانی» جز در همین تمدن مادی در جایی دیگری از تاریخ سراغ نمی شود و این هرگرز بدین معنی نیست که من از عملکرد های نادرستی که مسلمانان بعنوان تعدد ازدواج انجام میدهند دفاع میکنم، چه بسا زیاد است شمار آنهانیکه «تعدد» را روا میدارند اما عدالت را رعایت نمی کنند، و این کاریست مردود و ناروا! و اشخاصی هم وجود دارند که توانایی مصرف نفقه، یك زن را ندارند مگر دست به تعدد ازدواج زده اند، و این تصرفی است که هیچگونه توجیهی ندارد.

پس تعدد ازدواج در صورت تحقق یافتن همان شروط مادی و معنوی که در بر دارد جایز میگردد، و در غیر آن- از نظر اسلام- تعددی را نمی توان پذیرفت.

حل اینگونه مشاکل اجتماعی را قبل از آنکه قانون چاره جوئی نماید مربوط به اصطلاح ضمیر وفضائل اخلاقی میگردد، و در چنین شرائط وحالات سودی را که زنان از تعدد ازدواج بدست آورده اند کمتر از آنچه که مردان حاصل داشته اند نمی باشد.

اما اینکه چرا مردان حق طلاق را دارند، دوست دارم تا برخی از روایایی را در زمینه بر ایشان پیشکش نمایم: مردی به عمر بن الخطاب گفت! میخواهم زنم را طلاق دهم! عمر بوی گفت: چرا؟ گفت: دوستش ندارم، عمر گفت: آیا همه، خانواده باساس محبت بنا یافته اند؟ پس ننگ مردانگی و وفا کجا است؟».

و این همانند روایتی است که ابن مردویه روایت کرده است که، ابو ایوب خواست تا ام ایوب (خانمش) را طلاق دهد، و از رسول الله صلی الله علیه وسلم- در مورد اجازه خواست، انس میگوید، آنحضرت صلی الله علیه وسلم- بوی فرمود! «همانا طلاق نمودن ام ایوب گناه است». سپس او از عزمش منصرف گردید، و خانمش را نگه داشت.

و مشابه همین روایت از طریق دیگری نیز روایت شده که، ابو طلحه اراده، طلاق خانمش «ام سلیم» را نمود، آنحضرت صلی الله علیه وسلم- فرمودند: همانا طلاق دادن أم سلیم گناه است» بنا ءوی از اراده اش بازگشت.

و میتوان این آیه قرآن را در مورد بقای زنا شوهری اصل کلی دانست: «اگر (زنان) اطاعت شما را نمودند پس شما هرگز در پی ضرر شان نباشید». نساء آیه ۳٤

حیات خانوادگی بزرگتر از آنست که مشکل اندکی و یا رنجش و تیرگی زود گذری بتواند بنیاد آنرا بباد دهد! و رابطه، موجود میان زن و شوهر را بجز انسانهای بوالهوس و عیاش اشخاص دیگری بهدر نمی برند. و بنای دیوار مستحکم خانوادگی را مردان هوشیار و با وفا می سازند، در غیر آن نگهداری نظام خانواده توسط «قانون» تنها میتواند نام و نبشته روی کاغذ باشد، چون آنجا دیگر مفهوم و رمز رابطه، زنا شوهری بهم خورده است! وبدون شك اروپائیها از فریب «قانون» به ستوه آمده و بالاخره باین واقعیت تلخ اعتراف نمودند، و طلاق را ضمن یك انتخابات عامه بر خلاف وصایای کلیسا تجویز داشتند.

و من نمیدانم که چگونه پولیس زنی را به شوهرش و یامردی را به خانمش باساس قانون تحویل میدهد. و آیا می تواند این حلال مشکل گردد؟ بنظر من یگانه حل درست و معقول این فرموده، الهی است که می فرماید! «.. به نیکی زنان را نگه دارید و یا به نیکی از آنان جدا گردید» طلاق آیه ۲

و جدایی هم بعد از یکسلسله مراحل تهدید، توبیخ و اصطلاح جانبین که در کتب فقه تفصیلاً در مورد بحث شده است صورت میگیرد و گاهی هم طلاق بمثابه، مشکل بغرنجی در می آید که خلاصی از آن جز از آنطریق از راه دیگری سراغ نمی شود، بعد از آنکه عطوفت و محبت خانوادگی از میان میرود و علائق زنا شوهری به خشکی و تیرگی میگراید و احساس نفرت نسبت به یکدیگر پدید می آید میتواند چنین تعبیر گردد «نفرت دلها بمثابه، شیشه، است که اگر شکست جبران ندارد»

در چنین حالتی اگر طلاق بمنظور رهائی از چنین وضعیت ناگوار. حق مرد شد، پس «خلع» (گرفتن طلاق زن از مرد) برای آسودگی زن حق زن است، و کسی نمی تواند زن را بخانه، که از شوهرش نفرت و انزجار دارد مجبور سازد تا در کنار شوهرش توام با انزجار و ناراحتی بسر برد و قرآن کریم میفرماید: «و نگه مدارید زنانرا (بمنظور) ضرر رسانیدن تا به ایشان تجاوز روا دارید، وکسی که چنین نماید همانا با خود ظلم روا داشته است» بقره ۲۳۱

وچون زن خواهان جدائی از شوهر میگردد باید آنچه را که از شوهرش بعنوان مهر گرفته است دوباره بوی بپردازد، و جفا خواهد بود زن قبل از پرداخت مال و منالی که از شوهرش بدست آورده مطالبه، جدائی نماید.

من متأسفم ازینکه اکثریت فقها نظام «خلع» را بباد فراموشی گرفته اند و یا حکمت آنرا باطل انگاشته اند، و متأسفم ازینکه عامه، مردم از پرداختن مال و متاع بزن طلاق شده هیچ اطلاعی ندارند، و طلاق سنت را همانگونه که از صاحب شریعت ثابت شده است تطبیق نمی نمایند، بلکه آنچه معمول و مروج است همانا طلاق بدعت است که با کمال وحشیگری آثار آن در جامعه، مسلمانان معمول بوده است!

آنگاه کا فقیه هوشیاری چون ابن تیمیه برخاست و طلاق «بدعت» را باطل و آثار آنرا غیر مرتب اعلام داشت با انتقاد شدیدی مواجه گشت! و بمنظر من فقهای جهان اسلام معاصر در حالیکه آنها رنجهای اجتماعی نی را که مسلمانان بآن مواجه اند احساس میکنند- این خالیگاه را باید پر نمایند و از پراگندگی و تشتت خانواده ها و بازیچه قرار گرفتن نظام خانوادگی در دست اشخاص بی باك و بی مروت در روشنائی هدایات قرآن و سنت پیامبر، جلوگیری بعمل آرند.

بوسنیا در دام توطئه گران

با وصف تلاش های متعددی که ظاهراً از سوی سازمان ملل، کشورها عضو پیمان ناتو و کشور های عضو جامعه اقتصادی اروپا برای حل بحران در کشور اکثراً مسلمان نشین بوسنیا هرزگونیا صورت میگرد، وضع آن سرزمین بیشتر از هر وقت دیگر بحرانی میباشد.

برای رسیدن به کنه حقایق و دانستن جریان وقایع در بوسنیا باید توجه داشت که آنکشور از جمله سرزمین های میباشد که توسط مارشال تیتو دیکتاتور سابق یوگوسلاویا به زور سر نیزه تحت تسلط صربستان قرار داده شده بود.

مرگ مارشال تیتو همزمان بود با دوران نابودی کمونیزم و عصر استقلال طلبی ملت های دربند، روی چنین دلیلی پس از مرگ او کشور یوگوسلاویا که حاصل به زنجیر کشیده شدن ملت های زیادی بود به زودی در سراشیب زوال قرار گرفت و قبل از همه دو کشور بوسنیا هرزگوینا و کرواسیا اعلان استقلال کردند.

اما وقتی، نوبت به بوسنیا رسید وضع کاملاً دگرگون گشت، در مرحله نخست صربستان عملاً با بوسنیا داخل جنگ گردید و پس از آن تحت فشار های سیاسی مجبور گشت به تجاوز خویش در بوسنیا پایان دهد با قوت تمام در عقب صربهای بوسنیا قرار گرفت و سلاحهای مختلف النوع در اختیار آنها قرار داد و صربهای بوسنیا با داشتن چنان قوت الظهری دست به قتل و کشتار مسلمانان آندیار زدند.

داستان جنایات صربها در جهان از کسی پوشیده نیست جنایات صربها در بوسنیا چنان ابعاد وسیعی دارد که حتی روی مستبد ترین چهره های تاریخ را سفید نموده اند.

قتل دسته جمعی زنان، اطفال و مردان، زنده به گور کردن و قطع اعضای بدن مسلمانان کشتن فرزند جلو چشمان پدر و مادر و تجاوز به زنان از جمله اعمال شرم آوری میباشد که صربها بدون درنگ و با قساوت تمام انجام داده اند.

عکس العمل جهان دربرابر آنچه در بوسنیا رخ میدهد بسا ناقص و دور از انصاف بوده است با وصف آنکه کشور های متعدد جهان و منجمله امریکا و اروپا در ظواهر امر از موقف حکومت بوسنیا حمایت کرده و صربستان و صربهای بوسنیا را نکوهش نموده اند اما چون نوبت به عمل رسیده، همه اطراف در گیر را مساوی دانسته و همه را بیك سنگ وزن کرده اند.

سازمان ملل که قویاً به کمك های اقتصادی امریکا و غرب متکی است دوسال قبل قطعنامه یی را به تصویب رسانید و به اساس آن فروش اسلحه به تمام کشور های واقع در یوگوسلاویای سابق را ممنوع قرار داد. فیصله نامه مذکور که در بادی الرأی به معنای جلوگیری از جنگ است در حقیقت امر فیصله ظالمانه یی میباشد که توسط آن غلبه صربها بر مسلمانان تحمیل میشود، زیرا در حالیکه صربهای بوسنیا میتوانند با اسلحه وافری که صربستان در اختیار ایشان قرار میدهد بر مسلمانان حمله کنند، مسلمانان اسلحه کافی جهت دفاع از خویشتن را ندارند.

کشور های اسلامی که باید با قاطعیت تمام از مسلمانان بوسنیا حمایت میکردند با صدور اعلامیه ها و تقبیح اکتفا نمودند.

بنا بر آن مسلمانان بوسنیا در حالیکه از هر جهت مورد حمله صربهای متجاوز قرار میگیرند مجبور می شوند برای رهایی خویش از این تنگنای مصیبت دست بدامان غرب شوند، در حالیکه غرب و امریکا در حقیقت امر مسئولین درجه اول مشکلات و مصایبی میباشد که بوسنیا با آن دست و گریبان است.

غرب که در هر قضیه یی اهداف استعماری خویش را مد نظر میدارد، در قضیه بوسنیا نیز بر همان راهی رفت که در سایر موارد می رود، یعنی بجای انکه بصورت اصولی در صدد حل این بحران بر آید، خواستند با استفاده از اوضاع نا بسامان آن خطه جای پای برای خویشتن بدست آرند.

دسته های مسلح متعلق به کشور های مختلف و زیر چتر سازمان ملل از ماه ها بدینسو در بوسنیا مستقر بوده و وظیفه، جلوگیری از زدو خورد ها را به عهده دارند، در حالیکه در این مدت نه تنها از جنگ جلوگیری نتوانستند بلکه مردم مسلمان بوسنیا جلو چشمان سربازان ملل متحد به قتل رسیدند. و دارو ندار شان با آتش کشیده شد.

سازمان ملل با وجود مصارف هنگفت آنقدر مقابل صربهای بوسنیا عاجز و ناتوان مانده که در بسا موارد از رساندن مواد غذائی و دارو بر نیازمندان نیز کوتاه آمده است در مدتی که جنگهای شدید در بوسنیا علیه مسلمانان شعله ور گردیده چندین معاهده، صلح میان حکومت بوسنیا و صربهای آنکشور به اساس پادرمیانی سازمان ملل، پیمان ناتو و یا جامعه اقتصادی اروپا، به امضا رسیده که همگی از طرف صربها نقض گردیده و هیچ نیرونی نخواسته با ایشان به محاسبه بپردازد.

در این اواخر مشکل بوسنیا ابعاد جدیدی کسب کرد، زیرا مدتی قبل صربها حدود چهار صد نفر از سربازان حافظ صلح را در بوسنیا به اسارت گرفتند و بدین ترتیب موجبات خجالت بیشتر آن سازمان را ببار آورند پس از این رویداد زمینه برای حضور ناتو در منطقه بیش از پیش مساعد گشت و گروه چند هزار نفری از نیروهای مسلح عضو کشور های پیمان ناتو در بوسنیا مستقر گردید.

تا اکنون استقرار نیرو های مذکور هیچ گرهی را از مشکل مردم مسلمان بوسنیا باز نکرده است و نه امیدی وجود دارد که در آینده، چنین چیزی روی دهد، زیرا کشور های عضو پیمان ناتو میخواهند تا بحران در منطقه دوام یافته و سندی برای جواز حضور نظامی آنها باشد.

اگر غرب میخواست این بحران پایان یابد میتوانست دست به اقدام قاطعی بزند و جلو حمایت بیدریغ صربستان را از صربهای بوسنیا بگیرد.

در این میان با کمال تأسف، جهان اسلام که باید یك نقش کلیدی میداشت، هیچ گامی در راه حل بحران مذکور و یا کمك به مسلمانان بوسنیا بر نداشته است، زیرا ممالك اسلامی که اکثراً از سیاست های دیگران متاثر اند در قبال قضایای بین المللی موضع صریح و روشن ندارند.

در پایان میتوان نتیجه گرفت که غرب و امریکا در صدد طولانی کردن هر چه بیشتر بحران بوسنیا میباشد تا دستاویزی برای حضور نظامی خویش در منطقه داشته باشد و اما مسلمانان که تا اکنون قضایای بین المللی وحدت نظر کامل نداشته اند مانند یك تماشاچی بدون احساس شاهد بیداد صربها میباشند که بر برادران شان در بوسنیا صورت می گیرد، پس مردم مسلمان بوسنیا اگر از یکطرف مورد تجاوز صربها قرار گرفته از طرف دیگر در دام توطئه گران غربی افتاده اند که میخواهند از هر رویدادی در جهت منافع استعماری خویش سود برند.

په ننگرهار کی دیوی غونډی ...

په جلال آباد کی دننگرهار ولایت دشینوار، نازیانو او شمسی چم سیمو قومی مشرانو او جهادی قوماندانانو دیوی پرتمینی غونډی په ترڅ کی ویلی دی چی هیڅ چا ته حق نشته چی په جهادکی یی برخه نه وی اخیستی او دافغانستان په سرنوشت کی رول ولری.

دنوموړو قومونو قومی مشرانو او جهادی قوماندانانو پخپل وار غونډی ته دوینا په ترڅ کی په ډاگه کړه چی ظاهرشاه افغانانو او مجاهدینو ته دمنلو وړ نه دی.

دشینوارو قومی مشرانو وویل: کوم خلك چی ځان دشینوارو دقوم مشران معرفی کوی دمخلوع شاه له زوم سره لیدنی کوی هغوی دشینوارو په قوم پوری اړه نلری. دشینوارو، نازیانو او شمسی چم قومی مشرانو وویل چی دوی په افغانستان کی داسلامی حکومت ملاتړ کړی

بقیهء سر مقاله

است بهتر است تا کسانی که برای رفع معضله تلاش مینمایند به این موضوع بذل توجه نموده نواقص گذشته را اصلاح و در پی آن نشوند تا با وارد کردن افراد متروك و بدسابقه به صحنه، جبهه، دیگری هر چند ضعیف و مؤقت علیه دولت اسلامی باز نمایند زیرا جبهه سازی ها در گذشته بر فضای مذاکرات صلح و روابط حسنه علی الرغم میل و توقع ما اثر سؤ و ناگواری گذاشته است.

قطع نظر ازینکه با گذشت هر روز دولت اسلامی افغانستان از قوت و نیرومندی زیاد تری برخوردار گردیده و در این اواخر طلسم اپوزیسون را مبنی بر محاصره شهر ها و انسداد راه های تدارکاتی و مواصلاتی که یگانه ابتکار و حکمت عملی آنها بشمار میرفت در هم شکسته و با باز کردن راه اکمالاتی و تجارتی به کابل از طریق هرات، غور و بامیان آخرین حربه ظالمانه آنها را نیز از آنها گرفت. و با وارد کردن ضربات خورد کننده به نیرو های نظامی دشمن در صفحات شمال و فتح بامیان ثابت ساخت که غلبه بر مجاهدین از طریق وارد آوردن فشار نظامی تاحد زیادی ناممکن و غیر عملی میباشد باوجود آن هم دولت اسلامی با کمال صداقت و اخلاص آمادگی خود را با تلاشهای بین المللی و شخصی از طرف هر شخصی و یا کشور یکه صورت بگیرد اعلام داشته است و تأکید دارد بهتر آن خواهد بود تا هر نوع طرحی و جلسه ایکه برای حل معضله افغانستان پیشنهاد می شود در داخل کشور صورت بگیرد و دولت اسلامی از هر طرح که صلح را در کشور تأمین نماید قاطعانه حمایت مینماید.

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان خارج کشور

دور دوم نشراتی . سال دوم . شماره‌ء دوازدهم ـ چهارشنبه ۲۱ سرطان ۱۳۷٤ هـ ش ـ ١٤ صفرالمظفر ١٤١٦ هـ ق ١٢ـ جولای ۱۹۹۵م

دملگرو ملتونو سازمان دمهاجرینو څانگی په پاکستان له افغان مهاجرینو سره د ۳۰ ملیونه ډالر مرستی اعلان وکړ

دملگرو ملتونو سازمان دمهاجرینو څانگی اعلان کړیدی چی په پاکستان به کی له افغان مهاجرینو سره د دیرش ملیونه ډالر په ارزښت مرسته وشی.

دملگرو ملتونو اداری ویلی دی چی پدی اړه یی له پاکستان سره څو قرار دادونه لاسلیك کړیدی.

ددغه مرستو ۲۵ ملیونه ډالر به په لومړی مرحله کی دهغو یو ملیون او دوه سوه زره افغانانو په غذائی مرستو کی ولگول شی چی دپاکستان په سیمو کی ځای په ځای دی.

دملگرو ملتونو دمهاجرینو څانگه وایی ددغه روان کال دسپتمبر میاشتی نه به وروسته غذایی مرستی په اکثرو افغانانو قطع شی او زیاتی مرستی به ټولنیزو اړخونو چی آسیب یی لیدلی ولگول شی.

سازمان صحی جهانی اعلام نمود:

بزودی مقدار کافی ادویه در اختیار وزارت صحت عامه قرار خواهد گرفت

رادیو افغانستان از کابل خبر داد در دیدار آشور جبرئیلی مسئول سازمان صحی جهانی با وزیر صحت عامه دولت اسلامی افغانستان مشکلات موجود صحی در کشور مورد بررسی قرار گرفت.

گزارش می افزاید، مسئول سازمان جهانی ضمن اعلان این موضوع که بزودی مقدار کافی دوا را در اختیار وزارت صحت عامه دولت اسلامی قرار خواهد داد گفت جهت ازدیاد فعالیت های اداره مربوطه اش دفاتری نیز در ولایات کندز، بامیان و غزنی ایجاد خواهد کرد.

درولسوالی یکاولنگ ولایت بامیان

تعداد زیادی از افراد باند مزاری دستگیر گردیدند

گزارشهای رسیده از ولایت بامیان به نقل منابع نظامی دولت اسلامی افغانستان حاکیست در پی عملیات پیروزمندانه مدافعان دولت اسلامی مناطق خم نیل، بند امیر و پیروز بهار کاملاً از وجود ملیشه های مزاری تصفیه گردید.

در جریان این عملیات تعداد بیست تن از افراد مربوط گروه مزاری دستگیر گردیدند گزارش می افزاید سلاحهای که بدست نیروهای دولت اسلامی افتاد عبارتند از یك میل هاوان، دوضرب توپ پس لگد، یك ضرب توپ هفتاد و پنج ملی متری، سه میل دهشکه، سه میل زیکویك، بیست میل کلاشینکوف و مقدار قابل ملاحظه مهمات.

در میان افراد اسیر شده علی دوست قوماندان سابق سازمان مجاهدین خلق که در سالهای اخیر با گروه نصر یکجا شده بود نیز شامل میباشد.

برای راه اندازی مطبعه دولتی ده ملیون دالر ضرورت است

رادیو افغانستان گزارش داد محترم سید احمد رها رئیس مطابع دولتی ضمن بر شمردن خسارات وارده به مطبعه دولتی که با داشتن مجهز ترین ماشین آلات تقریباً ضرورت طباعتی کشور را مرفوع می ساخت گفت در جریان سه سال گذشته به اثر جنگ های تحمیلی که بوقوع پیوست حدود ده ملیون دالر و چهارصد ملیون افغانی خساره به ماشین آلات و تعمیر مطبعه وارد آمده است.

آقای رها اضافه کرد از جمله دوصد و ده پایه ماشین آلات طباعتی صرف شانزده پایه آن به اثر تلاش کارمندان مطبعه و مسئولین امنیتی نجات داده شد که نسبت نبودن برق در کابل به مطبعه ولایت پروان انتقال گردیده ودر حال حاضر از آن استفاده بعمل می آید .

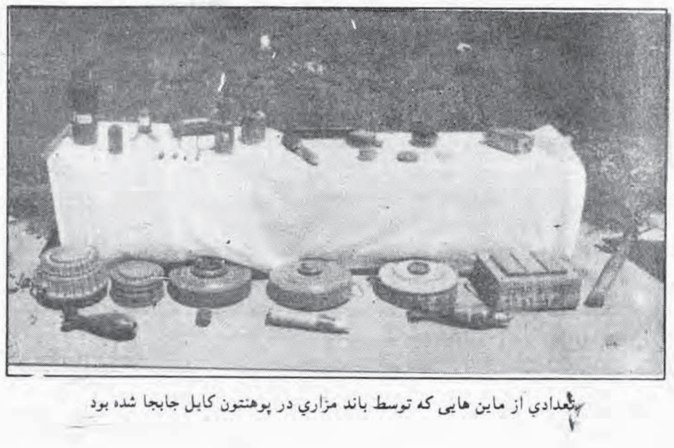
رئیس مطابع دولتی راه اندازی مجدد مطبعه دولتی را مستلزم مساعدت مؤسسات کمك دهنده و منابع بین المللی دانست.

نشریه شهادت ارگان نشراتی حزب اسلامی اعتراف به سرقت وراه گیری نمود

جریده شهادت ارگان نشراتی حزب اسلامی در شماره سه شنبه ۲۰ سرطان ضمن چاپ خبر مهمی با عنوان درشت در پیشانی اخبار اعتراف نمود که مدتها به اینطرف بطور معمول در جاده سروبی که کنترول آن بدست افراد آنها قرار دارد دزدی و سرقت صورت میگرفته است.

شهادت در حالیکه افتخار دستگیری دزدان را کار افراد امنیتی حزب میداند با چشم سفیدی زیاد دستگیر شدگان را افراد خاد سابق که گویا فعلاً با ریاست امنیت دولتی منسوب هستند قلمداد نموده می نویسد افراد خاد در صفوف آنها جای گرفته و دست به چنین اعمال تخریبی برای بدنام ساختن حزب زده اند.

لازم به یادآوریست شماره یکشنبه ۱۸ سرطان جریده شهادت با پخش خبر سرقت روز افزون در جاده سروبی و گرفتن انگشت انتقاد به اداره امنیت حزب در عدم جلوگیری از این امر، نتوانستند از دست داشتن افراد شان در این راه گیری ها چشم پوشی نمایند که این امر باعث سر افگندگی افراد امنیت حزب گردید و اکنون با منسوب ساختن سارقین با خاد سابق در صدد هستند سخن قبلی شانرا جبران نمایند که متاسفانه نمی شود آفتاب را با دو انگشت پنهان کرد.



تعدادي از ماین هایی که توسط باند مزاري در پوهنتون کابل جابجا شده بود

وسلوالو ډلو نه دکابل له تصفیی نه وروسته

دکابل اقتصادی محاصری ماتیدو سره پر کابل دوه مواصلاتی لاری پرانیستل شوی

دکابل هرات له لاری دغذائی او سون موادو لومړی کاروان کابل ته راورسید

کابل دچنگاښ ۱۷: دکابل ولایت نه په رارسیدلی خبرونو کی ویل شویدی چی دافغانستان اسلامی دولت وروسته له دری کلنو جگړو نه چی دبهرنی لاسوهنی په لړ کی پر دولت تپل شوی وی او دکابل ولایت تصفیی نه وروسته دملیشیانو لخوا دکابل داقتصادی محاصری کړی ماتیدو سره دغذایی موادو لومړی کاروان دکابل هرات له لاری کابل ته راورسید.

زمونږ خبریال دکابل نه خبر راکوی چی دغه لاره دغوربند بامیان او غور له لاری دهرات ولایت سره نښلول کیږی.

همدارنگه په هغه کاروان کی چی دلومړی ځل لپاره پدغی لاری کابل ته راورسید دسون مواد هم په کافی اندازه راوړل شویدی.

دافغانستان اسلامی دولت مقامات وایی چی دکابل ښاریانو دمشکلاتو دحل لپاره به پایتخت بله لاره هم چی دهیواد مرکز له شمالی ولایاتو سره نښلوی ډیر ژر داستفادی وړ وگرځی.

دغه لاره دخاواك او اندراب له لاری دهیواد شمالی سیمی له مرکز سره نښلوی. خبریال لیکی:

ددغو دوو لاره له پرانیستل کیدو سره دسوداگرو او هیواد والو زیاتی ستونزی حل شویدی او همداراز ددغو لارو پرانیستلو او کابل ته دکاروانونو رارسیدلو دغذایی مواد په بیو مثبت اغیزه کړیده.

توسط مؤظفین امنیتی دولت اسلامی افغانستان

یك گروپ قاچاقچیان سلاح به پاکستان دستگیر گردید

رادیو افغانستان گزارش داد گروپ چهارنفری قاچاق سلاح که میخواستند مقدار اسلحه را به پاکستان انتقال دهند توسط مامورین امنیتی ولایت تخار دستگیرشدند.

یك منبع مسئول گزارش داد از قاچاقبران چهل وچهار میل کلاشینکوف و چهار میل میکاروف بدست آمده است.

په شمال کی د دوستم ملیشیانو دپرله پسی ماتو سره

په مزار کی د دوستم ملیشیانو ددوه قوماندانانو تر منځ نښته وشوه

مزار شریف دچنگاښ ۱۷: دمزار شریف له ولایت نه په رارسیدلی خبرونوکی ویل شویدی چی په شمال کی ددوستم ملیشیانو داسلامی اردو سره دپیوستون په دوام او په شمال کی ددوستم ملیشیانو پر له پسی ماتو سره دملیشیانو په لیکو کی دیری او ډار یوه پیاوړی څپه حاکمه شویده او ملیشیان پخپل منځ کی په سخت اخ ودب نښتی دی.

دهغی خپل منځی نښتی په ترځ کی چی دغفار پهلوان ملیشیانو او عبدالرحمن ملیشیانو تر منځ دمزار ولایت د آق دیرك په علاقه داری کی وشوه دملیشیانو گڼ شمیر مړه او گڼ شمیر ټپیان شویدی.

پدغه نښته کی دغفار پهلوان ملیشیانو یو تن قوماندان دجنرال بهارك په نامه مړ شوی او دهغه پنځه ډیرش تنه افراد ټپیان شویدی.

ددغی نښتی نه وروسته دمزارشریف د اق دیرك علاقه داری دعبدالرحمن حقانی ملیشیانو تر کنترول لاندی راغلی ده.

په وروستیو رارسیدلو خبرونوکی ویل شویدی چی دملیشیانو تر منځ خپل منځی نښتی دوام لری.

سمینار حقوق و تعلیم و تربیه زن از دید گاه اسلام در تالار وزارت داخله دایر گردید

بتاریخ ۱۵ سرطان سمینار یك روزه تحت عنوان حقوق و تعلیم و تربیه زن از دیدگاه اسلام در تالار کنفرانسهای وزارت داخله دایر گردید.

درسمینار پوهاند عبدرب الرسول سیاف رهبر اتحاد اسلامی افغانستان در رابطه با جوانب مختلف نقش زن و اهمیت آن از دیدگاه اسلام صحبت نمود.

در سمینار که تعداد کثیری از کارمندان وزارت تعلیم و تربیه و سایر مؤسسات دولتی اشتراك ورزیده بودند محترم انجنیر احمد شاه احمدزی سرپرست صدارت و پوهاند محمدفاضل وزیر تعلیم و تربیه دولت اسلامی افغانستان دررابطه با تعلیم و تربیه زنان از دیدگاه دین مبین اسلام صحبت نموده نقش سازنده زنان را در امر تربیت فرزندان شان با روحیه اسلامی و عمران و ترقی کشور مورد بررسی قرار دادند.

سمینار با سرود ترانه های ملی توسط شاگردان مکتب متوسطه منوچهری و دعائیه اختتامیه پایان یافت.

فتح

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان (خارج کشور)

صاحب امتیاز: جمعیت اسلامی افغانستان

باما به این آدرس مکاتبه کنید

G.P.O.BOX. 1102

پشاور . پاکستان